

تجربه بلوغ، درک از زنانگی و ازدواج:

مطالعه‌ای در میان زنان مجرد شهرستان‌های سمنان و شاهرود

زینب رهبر^۱

سهیلا علیرضازاد^۲

حبیب‌الله کریمیان^۳



[10.22034/ssvs.2025.3547.3601](https://doi.org/10.22034/ssvs.2025.3547.3601)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

بلوغ، یکی از پیچیده‌ترین تحولات در نوجوانی است. تجربه بلوغ برای دختران با رخداد قاعدگی همراه است. این مقاله به دنبال فهم چگونگی تجربه بلوغ در دختران مجرد، شاغل و تحصیل کرده است. روش پژوهش، پدیدارشناسی است. داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شده است. با تعداد ۳۰ نفر از دختران مجرد شاغل و تحصیل کرده ۲۵ تا ۴۵ ساله ساکن در شهرستان‌های سمنان و شاهرود که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند، مصاحبه گردید. سپس در کدگذاری سطح ۱ به ۱۳ مقوله «زمان تجربه بلوغ»، «اهمیت رخداد بلوغ»، «نحوه مواجهه با علائم بلوغ»، «آداب و رسوم مواجهه با بلوغ»، «نقش مادر در مواجهه با بلوغ»، «مواجهه آگاهانه با بلوغ»، «مواجهه نیمه‌آگاهانه با بلوغ»، «مواجهه ناآگاهانه با بلوغ»، «درک از زن»، «رویکرد به جنسیت خود»، «درک از ازدواج»، «تمایل به ازدواج» و «عدم تمایل به ازدواج» و در سطح ۲ کدگذاری‌ها به ۵ مقوله اصلی «زمان رخداد بلوغ»، «نحوه مواجهه با بلوغ»، «سطح-آگاهی از بلوغ»، «درک از زنانگی» و «رویکرد به ازدواج» دست یافتیم. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که تجربه بلوغ و نحوه مواجهه با آن بر درک از زنانگی و اجتماعی‌شدن جنسیتی دختران نقش دارد. مادران، یکی از منابع اصلی آموزش‌های دوران بلوغ و انتقال آگاهی به دختران هستند. تجربه بلوغ و نحوه مواجهه با آن در نسل‌های مختلف متفاوت است. تفاوت‌ها در تجربه بلوغ منجر به تفاوت در درک از زنانگی می‌شود. این امر بر مواجهه دختران مجرد با ازدواج تأثیر می‌گذارد.

واژگان کلیدی: تجربه بلوغ، دختران مجرد، درک از زنانگی، رویکرد به ازدواج، سمنان، شاهرود.

^۱ گروه جامعه‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

^۲ گروه جامعه‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Soheilaalirezanejad@iau.ac.ir

^۳ گروه جامعه‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

مقدمه

نوجوانی، دورانی ناپایدار و همراه با تغییرات فیزیکی غیرقابل پیش‌بینی، سردرگمی عاطفی و سوالات هویتی است که همراه با فرآیند جوانی به وجود می‌آید (Patel, 2019: 13). اریکسون، نوجوانی را به عنوان «یک دوره خودآگاه و راهی بین کودکی و بزرگسالی» توصیف می‌کند (Maysoon Al Atoom et al, 2024: 2). نوجوانی را می‌توان به عنوان نقطه تحول رشدی که همه افراد آن را پشت سر می‌گذارند، تعریف کرد (García, 2023: 7). تعریف این دوره بسیار گسترده است. از یک سو، شروع این مرحله از زندگی با اولین نشانه‌های بلوغ جنسی از جمله رشد جسمی محدود می‌شود و از سوی دیگر، حد تکمیل آن با لحظه‌ای تعیین می‌شود که فرد از نظر جنسی بالغ شود. با این حال، دوره نوجوانی را نمی‌توان تنها از دیدگاه زیست‌شناختی بررسی کرد. تغییرات روان‌شناختی و اجتماعی که همزمان با تغییرات بیولوژیکی رخ می‌دهد، نیز مهم است (Raskova & Stolinska, 2015: 1). افراد در سال‌های پایانی دوران کودکی و در آغاز دوران نوجوانی از نظر جسمی و روحی تحولات گسترده بلوغ را تجربه می‌کنند.

بلوغ، یک گذار پیچیده، یکپارچه و هماهنگ است که با تغییر در بدن، مغز، رفتار، شناخت و احساسات مشخص می‌شود (Mendle et al, 2019: 3). در طول دوران بلوغ، تفاوت‌های بین دختران و پسران بارزتر می‌شود، زیرا تغییرات فیزیکی مرتبط با بلوغ در کنار تغییرات در هویت جنسی، نقش همسالان، فشار همسالان، هویت شخصی، ریسک‌پذیری، روشنفکری و رشد اخلاقی نمایان می‌گردد (Coast et al, 2019: 295). تحقیقات نشان داده است که خودپنداره جنسیتی و پذیرش ویژگی‌های زنانه و مردانه اغلب در دوران نوجوانی اتفاق می‌افتد. به اعتقاد اریکسون، شکل‌گیری «هویت جنسیتی» در دوران نوجوانی برای ایجاد تصویری منسجم و باثبات از «خود» که در هویت شخصی فرد نقش اساسی دارد، حیاتی است (Maysoon Al Atoom. et al, 2024: 2). بنابراین دوران بلوغ یکی از حساس‌ترین مراحل زندگی افراد است، زیرا همزمان با تغییرات بیولوژیکی، فرد درباره خود دچار نوعی سردرگمی می‌شود. بلوغ می‌تواند نقطه شروع شکل‌گیری هویت باشد.

تجربه نوجوانی در افراد متفاوت است. در حالی که تغییرات هورمونی بلوغ، بدن را متحول می‌کند، بر حالات روحی و روانی نیز تأثیر می‌گذارد (García, 2023: 7). علاوه بر این، نحوه رخداد و تجربه بلوغ در دختران و پسران متفاوت است (Coast et al, 2019: 293). بلوغ دوران سختی برای دختران جوان است. همه چیز از نظر جسمی و احساسی در حال تغییر است و به نظر می‌رسد دوره‌ای ناخوشایند است (Patel, 2019: 15). در "روایت غالب"، بلوغ برای دختران به عنوان امری شرم‌آور است. در حالی که پسران با بلوغ، مردانگی را جشن می‌گیرند. در حالی که نوجوان، ترس و شرم از قاعدگی، مضامین

تجربه بلوغ و درک از زنانگی در دختران هرگز ازدواج نکرده شاغل و تحصیلکرده

مکرری هستند که هم در مطالعات خاص کشورها و هم در بررسی‌های جهانی دیده می‌شوند (Coast et.al, 2019: 293). در ایران نیز پژوهش‌های مختلف (ریاحی و خزایی، ۱۴۰۰؛ آزادی و همکاران، ۱۳۹۹؛ طهرانی مقدم و پورعباسی، ۱۳۹۷) نشان داده‌اند که دوران بلوغ برای دختران، دورانی بسیار پرچالش و همراه با احساسات منفی و شرمساری است.

بلوغ برای زنان معمولاً بین ۸ تا ۱۴ سالگی اتفاق می‌افتد. تغییرات بسیار زیادی در بدن زن رخ می‌دهد: افزایش هورمون‌ها، رشد سینه‌ها، رشد مو، افزایش وزن، قاعدگی و نوسانات عاطفی (Patel, 2019: 4). در دختران بلوغ جسمی و روانی با تجربه قاعدگی همراه است و به نظر می‌رسد این تجربه تمام جنبه‌های شخصی و اجتماعی زندگی آنان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

قاعدگی، از نظر بیولوژیکی و فرهنگی اغلب به عنوان لحظه گذار در زندگی یک دختر جوان به زنانگی، در نظر گرفته شده است. این لحظه‌ای است که هیجان‌انگیز و هم اعصاب خردکن تلقی می‌شود. با این حال، پس از قاعدگی، ادراک یک دختر از خود در مورد تصویر بدن و عزت نفس خود تغییر می‌کند (Lese, 2016: 1). در دوران قاعدگی، دختران به توانایی‌های باروری و مسئولیت‌های آینده خود پی می‌برند که «آگاهی زنانه» را در پاسخ مستقیم به عملکرد بیولوژیکی تشکیل می‌دهد. مناسب قاعدگی، آداب و رسوم اجتماعی و بهداشتی ناشی از آن (معروف به شیوه‌ها و مناسب قاعدگی) بنیان انواع شیوه‌های انضباطی را تشکیل می‌دهد که در دوران بلوغ برای مشروعیت بخشیدن به روایات خاصی در مورد هویت زنانه وارد عمل می‌شوند و حالت‌های خاصی از زن بودن را تشکیل و اعتبار می‌بخشند. بنابراین مناسب قاعدگی و شیوه‌های قاعدگی برای تدوین و تنظیم رفتار زنانه و در نتیجه تجلی آگاهی جمعی زنانه نقش اساسی دارند (Bacalja & Ndaferankhande, 2020: 424). نگرش دختران و زنان نسبت به قاعدگی و رفتارهای مرتبط با آن در تعامل پیچیده‌ای از باورهای فرهنگی، عوامل اجتماعی شدن و تجربه واقعی ایجاد می‌شود. متأسفانه بیشتر این دیدگاه‌ها منفی و غیر آماده‌کننده برای زنانگی هستند. تجربه قاعدگی تا حدی به انتظارات قبلی وابسته است. قاعدگی از نظر فرهنگی به عنوان یک «بحران» تلقی می‌شود؛ تجربه‌ای که نه تنها نشانه ناپاک بودن، بلکه یک مزاحمت شرم‌آور است که قابل کنترل نیست (Rembeck et al, 2006: 707). به نظر می‌رسد نحوه مواجهه با بلوغ و تجربه قاعدگی در زنان می‌تواند جنبه‌های مختلف زندگی آنان از هویت گرفته تا ازدواج را تحت تأثیر قرار دهد.

در دهه‌های اخیر، محققان دریافته‌اند که ازدواج در تعدادی از کشورها رو به کاهش و در تعداد کشورهای با روند کاهشی ازدواج، رو به افزایش است. با وجود این که در کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی ازدواج هنوز یک پدیده عمومی است، اما کاهش نرخ ازدواج، افزایش درصد تأخیر ازدواج، نرخ بالاتر طلاق و افزایش تجرد نیز در آن‌ها مشاهده می‌شود (Nguyen & Hoang, 2019: 80). در جامعه

ایران اگرچه ازدواج، همچنان تنها راه قانونی و مشروع برای تشکیل مهم‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده بوده و فشار اجتماعی برای آن به‌ویژه برای دختران با توجه به باورها و ارزش‌های حاکم بر جامعه بیش از پسران است، اما آمارها نشان از کاهش ازدواج و افزایش روند تجرد دختران دارد (ساروخانی، ۱۳۹۲: ۲۹). از سوی دیگر، آمارهای رسمی کاهش میزان ازدواج جوانان در استان سمنان طی سال‌های اخیر را نشان می‌دهد. جدول ۱، تعداد ازدواج‌های ثبت‌شده استان سمنان طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ را نشان می‌دهد:

جدول ۱. تعداد ازدواج‌های ثبت‌شده استان سمنان طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲

سال	تعداد ازدواج‌های ثبت‌شده	سال	تعداد ازدواج‌های ثبت‌شده
۱۳۹۵	۴۲۹۲	۱۳۹۹	۳۵۵۷
۱۳۹۶	۳۹۵۲	۱۴۰۰	۳۶۰۳
۱۳۹۷	۳۵۵۶	۱۴۰۱	۳۲۴۹
۱۳۹۸	۳۰۸۶	۱۴۰۲	۳۰۶۸

منبع: سازمان ثبت احوال استان سمنان

علاوه بر این، آمارهای رسمی کشور، افزایش چشمگیر تعداد دختران مجرد (هرگز ازدواج نکرده) در ایران طی یک دهه اخیر را نشان می‌دهد. بر مبنای آمار سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۴۰۰، حدود ۱۱ میلیون و ۲۴۰ هزار نفر در سن متعارف ازدواج قرار دارند یا از این سن گذشته و هنوز ازدواج نکرده‌اند. از این میزان ۵ میلیون و ۵۷۰ هزار نفر مرد و ۵ میلیون و ۶۷۰ هزار نفر زن هستند (معاونت جوانان و ورزش و جوانان، ۱۴۰۱: ۷). همچنین بر اساس نتایج آخرین برآورد جمعیتی کشور در سال ۱۴۰۰، استان سمنان جزو ۷ استانی است که در کشور میزان تجرد زنان در آن بالاست (سایت مرکز آمار، ۱۴۰۱). لذا در شهر سمنان به عنوان مرکز استان و همچنین شاهرود به عنوان دومین شهر استان از نظرسعت، جمعیت و تنوع قومی و فرهنگی، با توجه به بالا بودن تعداد دختران تحصیل کرده و مطرح بودن این موضوع به عنوان یک مسئله اجتماعی، انجام پژوهشی برای شناخت ابعاد مختلف آن در این استان حائز اهمیت است.

نکته مهم آن است که آیا تجربه بلوغ به نحوی بر فهم از زنانگی و تمایل به ازدواج تاثیرگذار است؟ در این پژوهش ما به کشف نقشی که نحوه مواجهه با بلوغ، بر اجتماعی شدن جنسیتی در دختران مجرد شاغل و تحصیل کرده داشته است، می‌پردازیم. پرسش پژوهش این است:

تجربه بلوغ و درک از زنانگی در دختران هرگز ازدواج نکرده شاغل و تحصیلکرده

تجربه زیسته دختران مجرد شاغل و تحصیل کرده از نحوه مواجهه با بلوغ چگونه است و این تجربه بر فهم آنان از زنانگی و ازدواج چه نقشی دارد؟

مروری بر پیشینه و ادبیات پژوهش

بیشتر مطالعاتی که در زمینه بلوغ انجام شده، بر جنبه فیزیکی و جسمی یا بعد روانی و شناختی آن توجه داشته‌اند و کمتر ابعاد جامعه‌شناختی آن مدنظر قرار گرفته است. در ایران مطالعات اندکی به جنبه‌های اجتماعی رخداد بلوغ در دختران پرداخته‌اند که می‌توان آن‌ها را در سه دسته تجربه زیسته دختران از بلوغ، هویت و بلوغ و آموزش بلوغ طبقه‌بندی کرد.

برخی از پژوهش‌ها تجربه زیسته بلوغ در دختران را مطالعه کرده‌اند. کلاته‌ساداتی، عادل‌خواه و شمس‌الدین قطرم (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «تجربه بلوغ در بین دختران تک‌والد پدر سرپرست؛ یک مطالعه کیفی در شهر یزد» سه مضمون اصلی پدر حامی، پدر بی‌اعتنا و بلوغ مسئله‌دار را معرفی کردند. آقابابایی و محمدی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «تجربه زیسته سندرم پیش‌از قاعدگی در دختران مجرد؛ یک مطالعه کیفی» به آزارها و رنج‌های دختران جوان در دوران بلوغ پرداختند. آزادی، غلامی و بخشایش (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تجربه زیسته دختران از بلوغ زودرس؛ مطالعه‌ای کیفی» به این نتیجه رسیدند که بلوغ زودرس موجب ایجاد چالش‌های مضاعف در زمینه‌های جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی می‌شود. آذر بهرام و مقصودی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تجربه زیسته دانش‌آموزان دختر تیزهوش شهر کرمان از دوران قاعدگی‌شان» به این نتیجه رسیدند که کمبود آگاهی دختران در مورد قاعدگی موجب بروز احساسات منفی در آن‌هاست. با توجه به نتایج این مطالعات، هنجارهای اجتماعی، تابوها، شرم‌ها، داغ‌نگ و شرایط جسمی و روحی آزاردهنده در تجربیات قاعدگی دختران ایرانی پر رنگ است.

برخی از پژوهش‌های انجام شده به بلوغ و ارتباط آن با شناخت خود در زنان اشاره کرده‌اند. تقی‌نژاد، موحد، عنایت و احمدی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «مواجهه اجتماعی با قاعدگی: مردم‌نگاری فمینیستی تجربه قاعدگی میان کاربران زن اینستاگرام» به این نتیجه رسیدند که تجربه قاعدگی، یکی از منابع جامعه‌پذیری زنان است که بخشی از نگاه آن‌ها به زنانگی را شکل می‌دهد. شکور، یمانی، احسان‌پور و علی‌زاده (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «نیازسنجی کیفی بهداشت باروری در دوران نوجوانی» به این نتیجه رسیدند که کم‌سواد بودن خانواده‌ها درباره بلوغ، اکراه از زن بودن و تمایل به تجربه مرد بودن، تنفر از جنس مخالف، احساس زندانی بودن به علت زن بودن، ایجاد محدودیت خانواده‌ها به عت دختر بودن، از مسائل اجتماعی پیش‌روی دختران نوجوان در دوران بلوغ است.

مطالعات دیگری، با تأکید بر آموزش‌های دوران بلوغ و چگونگی آگاه شدن نسبت به آن در دوران نوجوانی انجام شده است. حلیمی، درتاج رابری، مجدزاده و حقدوست (۱۴۰۱) و طهرانی‌مقدم و

پورعباسی (۱۳۹۷) از جمله این پژوهش‌ها هستند که به مقایسه وضعیت دختران و پسران، مادران و دختران و تابوهای مرتبط با آموزش دختران در این باره پرداختند.

در خارج از ایران نیز پژوهش‌های متعددی در زمینه دانش بلوغ، قاعدگی و هویت جنسیتی، تابوهای قاعدگی، درک دختران از تجربه قاعدگی و قاعدگی و ازدواج انجام شده است. دانش و آگاهی نوجوانان از ماهیت بلوغ هنگام مواجهه با آن بسیار اندک و ناقص است و مادران و معلمان از نخستین منابع اطلاعاتی دریافت اطلاعات در این زمینه هستند. ماسوول و همکاران (۲۰۲۵)، اشمیت و همکاران (۲۰۲۲)، کوآست، لاتوف و استرانگ (۲۰۱۹) و دثو و گاتارگی (۲۰۰۵) در مناطق شهری و روستایی کشورهای مختلف از کنیا و آمریکا تا هند به پژوهش پرداختند.

تجربه بلوغ و قاعدگی و ارتباط آن با شکل‌گیری هویت زنانه، از دیگر موضوعاتی است که محققان در خارج از کشور به آن پرداخته‌اند. نتایج مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد که نحوه تجربه قاعدگی، بر شناخت دختران از خود به عنوان زن تأثیر می‌گذارد. میسون الاتوم و همکاران (۲۰۲۴) بیان کردند که زنان جوان اردنی از ترس محدودیت‌های اجتماعی ناشی از رشد بیولوژیکی بلوغ، قاعدگی را مخفی می‌کنند. تامسن و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «ناسازگاری جنسیتی و زمان بلوغ: یک مطالعه نسلی مبتنی بر جمعیت» در دانمارک به تأثیر تجربه بلوغ بر ادراک فرد از جنسیت خود تأکید کردند. لس (۲۰۱۶) در پژوهشی بیان کرد که قاعدگی برای زنان صرفاً یک رویداد بیولوژیکی نیست؛ بلکه بخشی از هویت زنانه آن‌ها را شکل می‌دهد.

برخی از مطالعات با بررسی تابوهای قاعدگی و محدودت‌های اجتماعی که به واسطه این تابوها به زنان در این دوران تحمیل می‌شود، نشان می‌دهند که تابوها بر هویت جنسیتی زنان تأثیر منفی می‌گذارند. اوبوچی و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی در نیجریه به این نتیجه رسیدند که شرم، خجالت، انگ و غیبت ناشی از قاعدگی از مسائل بسیار جدی پیش روی دختران نوجوان است. گوندی و سوبرامانیام (۲۰۲۰) در پژوهشی در بین دختران و پسران نوجوان هندی به این نتیجه رسیدند که در جامعه مردسالار هند، دختران با برخی تابوها روبه‌رو هستند که بر سلامت روانی و درک جنسیتی آن‌ها مؤثر است. موندراگون و تکرودی (۲۰۱۹) در پژوهشی در اسپانیا بیان کردند که بازنمایی‌های اجتماعی قاعدگی به دو سطح سنت‌گرا و مترقی، قابل تقسیم است. سطح سنت‌گرا به وضوح با یک گفتمان انگ منفی در این باره مرتبط است.

مطالعات نشان می‌دهند پیامدهای روانی، اجتماعی و فرهنگی بلوغ بر تمایل جوانان به ازدواج، تأخیر در ازدواج و انتخاب مجرد بی‌تأثیر نیست. شیما محمد امین و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی درباره پیوند بین قاعدگی و ازدواج در دانشجویان پرستاری زن نتیجه گرفتند که قاعدگی دردناک می‌تواند بر نحوه درک و رویکرد زنان به چشم‌انداز ازدواج تأثیر گذاشته و منجر به بدبینی نسبت صمیمیت و ازدواج شود.

تجربه بلوغ و درک از زنانگی در دختران هرگز ازدواج نکرده شاغل و تحصیلکرده

سخی و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی در بین دانشجویان دختر در افغانستان به این نتیجه رسیدند که چرخه قاعدگی، با تغییرات در جنبه‌های جسمی، روانی و اجتماعی زندگی یک زن مرتبط است.

مروری بر مفاهیم و نظریه‌ها

با توجه به حساست نظری برخی مفاهیم و نظریه‌های مرتبط، به اختصار به برخی اشاره می‌شود.

جنس و جنسیت

به‌زعم گیدنز، جنس به تفاوت‌های فیزیکی بدن اشاره می‌کند و جنسیت به تفاوت‌های روان-شناختی، اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان مربوط می‌شود. پس تمایزی اساسی میان جنس و جنسیت است (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۹۲). ماری هولمز معتقد است که جنس به این موضوع اشاره دارد که یک فرد، مرد یا زن است و این تفاوت براساس ویژگی‌های جسمی او به‌وجود می‌آید، اما جنسیت معرف باورها و رفتاری است که مرد بودن یا زن بودن را نشان می‌دهد (هولمز، ۱۳۹۱: ۲۶).

به‌نظر آن اوکلی، «جنس» واژه‌ای است که به تفاوت‌های زیست‌شناختی میان زن و مرد یعنی تفاوت مشهود در اندام جنسی و عمل تولیدمثل اشاره دارد؛ اما «جنسیت» مسئله‌ای فرهنگی است که به طبقه‌بندی اجتماعی مذکر و مؤنث مربوط می‌شود (دروگر، ۱۳۹۶: ۱۴۲). روبرت دبلیو. کانل، معتقد است که جنسیت باید به‌عنوان یک مؤلفه اجتماعی فهمیده شود، نه یک توصیف بیولوژیکی یا دوگانگی مطلق در زندگی انسان (Connell, 1987: 9). بنابراین جنسیت براساس ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه ساخته می‌شود.

بلوغ و قاعدگی

به تمام تغییراتی که در طول دوره نوجوانی رخ می‌دهد، بلوغ گفته می‌شود (Raskova & Stolinska, 2015: 1). زمان بلوغ بر اساس نژاد، قومیت، جنسیت بیولوژیکی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و تاریخ اجتماعی متفاوت است (Mendle et al, 2019: 14). مهم‌ترین و حساس‌ترین جنبه بلوغ در زنان، قاعدگی است. شروع اولین دوره قاعدگی، یک رویداد کیفی مهم در زندگی یک زن است (Tiwari & Oza and Tiwari, 2006: 424). بلوغریال فرآیندی است که معمولاً با یک جهش رشد در قد شروع می‌شود و به‌دنبال آن جوانه‌زدن سینه، رشد موهای زیر بغل و شرمگاهی ادامه می‌یابد و با قاعدگی به پایان می‌رسد (Mendle et al, 2019: 13). اغلب گفتارهای رایج، قاعدگی را به عنوان جشنی برای رسیدن به زنانگی، خروج از دوران کودکی و آغاز بلوغ جنسی معرفی می‌کنند (Snyder, 2024: 17). یک نقطه عطف در روند رشد و بلوغ است که دختران نوجوان را برای عملکرد تولید مثل و مادری آماده می‌کند (Ubochi et al, 2023: 2). از بسیاری جهات، قاعدگی نشان‌دهنده شروع زنانگی و یک عملکرد زیست‌پزشکی و فرهنگی تعریف‌شده از زنانگی و باروری است (Masuku, 2005: 5).

زنانگی

در باور عمومی، زنانگی اغلب پیرامون ویژگی‌های زیست‌شناختی و جسمانی زن از جمله باروری و مادری تعریف می‌شود (رفعت‌جاء و رهبری، ۱۳۹۳: ۲۱۲)، اما زنانگی انواع مختلفی دارد و یک ایدئولوژی اجتماعی است که شیوه‌های مربوط به جنسیت و روابط جنسی را تعریف و سازماندهی می‌کند (Windsor, 2015: 894).

زنانگی، یک برساخت اجتماعی- فرهنگی است و در طی فرآیند اجتماعی شدن ساخته می‌شود. براساس تفاوتی که بین مفهوم جنس با مفهوم جنسیت وجود دارد، در سطح کلان در بحث زنانگی نیز بر مبنای این تفاوت، دو دیدگاه نظری ذات‌گرایی و سازه‌گرایی مطرح می‌گردد. در دیدگاه ذات‌گرایانه بر ویژگی‌های بیولوژیک تأکید می‌شود و مردانگی و زنانگی معطوف به خصایص ذاتی جنس مذکر یا مؤنث است. این دیدگاه، مفهوم مردانگی را با مردی و زنانگی را با مادینگی یکی می‌داند و اصالت را به جنس با مشخصه‌های ذاتی می‌دهد (یعقوبی، ۱۳۹۳: ۱۴). در حالی که در دیدگاه سازه‌گرایانه، جنس بیولوژیکی تنها عامل تعریف زن یا مرد بودن نیست، بلکه ارزش‌ها و انتظارات اجتماعی و تصورات کلیشه‌ای از نقش‌های جنسیتی حکم مذکر را به مردانه‌بودن و مؤنث را به زنانه‌بودن در یک فرهنگ تعیین می‌کند (همان: ۱۵). بنابراین، زنانگی در دیدگاه سازه‌گرایانه یک برساخت اجتماعی- فرهنگی است و در دیدگاه ذات‌گرایانه یک امر ذاتی و طبیعی.

قاعدگی به‌عنوان نماد مهم بلوغ جنسی و پتانسیل باروری زنان، در فهم از زنانگی بسیار مهم است. اگرچه تقریباً همه زنان جهان قاعدگی را تجربه می‌کنند، اما نگرش و برداشت آن‌ها از این پدیده جهانی متفاوت است (Mokhtari et.al., 2020: 847). قاعدگی، از نظر بیولوژیکی به‌عنوان عملی «طبیعی» و از نظر فرهنگی، به‌عنوان گذار به زنانگی در نظر گرفته شده است. رویکرد اجتماعی پیرامون قاعدگی بر نحوه نگرش زنان به دوره‌های خود و کنار آمدن با آن به‌عنوان فرآیندی از زنانگی نوظهور تأثیر می‌گذارد (Lese, 2016: 4). بنابراین می‌توان گفت مواجهه با قاعدگی و تجربه بلوغ زنانه بر شناختی که افراد از خود به‌عنوان زن دارند، انجام نقش‌های جنسیتی و نیز پذیرش ویژگی‌های زنانه، اثر دارد و هویت جنسیتی آنان را شکل می‌دهد.

آداب و رسوم مواجهه با بلوغ زنانه

آداب و رسوم قاعدگی، بخشی از اعمالی هستند که برای حفظ نوع خاصی از نظم و کنترل آن ایجاد می‌شوند (Masuku, 2015: 20). لازم، اصطلاح "آداب و رسوم قاعدگی" را برای توصیف مرزهای پیرامون رفتار قاعدگی زنان ابداع کرد (O'Flynn, 2006: 951). به‌طور مثال، در منطقه آناند، ایالت گجرات هند، رسم عدم اجازه به دختران در زمان قاعدگی^۱، گزارای نماز، رفتن به معبد یا ورود به آشپزخانه در

تجربه بلوغ و درک از زنانگی در دختران هرگز ازدواج نکرده شاغل و تحصیلکرده

خانواده‌ها رعایت می‌شود (Tiwari et.al, 2006: 431). در برخی جوامع، قاعدگی به‌عنوان منبع مقدس قدرت برای زنان تلقی گردیده، درحالی‌که در برخی دیگر، به‌عنوان یک راز کثیف و شرم‌آور قلمداد شده است. قوانین و تابوهای مربوط به قاعدگی خودسرانه یا طبیعی نیستند، بلکه بخشی از ساختار اجتماعی جنسیت و تنظیم بدن مرتبط با هنجارهای اجتماعی و فرهنگی هستند (کلاته‌ساداتی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۱۹). بنابراین به‌نظر می‌رسد برخی از آداب و سننی که در فرهنگ‌های مختلف به‌هنگام تجربه قاعدگی وجود دارند و اغلب با تابوهای زنانگی همراه است، بر نحوه درک از خود به‌عنوان یک زن موثر است.

تابوها و انگ‌های قاعدگی

بستر فرهنگی و اجتماعی که دختران در آن بلوغ را تجربه می‌کنند، با تابوهای قاعدگی، انگ‌های پربودی و نگرش‌های منفی از قاعدگی فراگرفته شده است. قاعدگی به‌طور همزمان یک تابو و یک موضوع مورد انگ در بسیاری از نقاط جهان است (Nair, 2025: 1)؛ به‌گونه‌ای که سایر تغییرات جسمی برای دختران این‌گونه نیستند (Koch & Mendl, 2022: 13). زنانی که قاعدگی را تجربه می‌کنند، با احساسات منفی نسبت به قاعدگی خود دست و پنجه نرم می‌نمایند (Lese, 2016: 17). بنابراین تجربه بلوغ برای دختران در یک چنین زمینه فرهنگی و اجتماعی با رویکرد منفی به قاعدگی، چندان مطلوب نخواهد بود. هم‌چنین می‌تواند منجر به تمایل به پنهان‌کردن علائم قاعدگی، سرکوب قاعدگی، احساس خجالت و شرمندگی، تنفر از بدن زنانه و بیگانگی و فاصله از زنانگی شود.

مفهوم‌سازی قاعدگی به‌عنوان یک تابو مثبتی بر این درک است که قاعدگی رویدادی است که در یک نظم اجتماعی خاص نمی‌گنجد و آن را به چالش می‌کشد. باکلی و گوتلیب در توضیح تابوها اظهار می‌کنند که مردم‌نگاران بارها گزارش داده‌اند که خون قاعدگی و زنان در حال قاعدگی «خطرناک، توهین‌آمیز و آلوده» تلقی می‌شوند (Masuku, 2015: 18). ما هنوز در اجتماعاتی زندگی می‌کنیم که قاعدگی یک امر منفی و مذموم بوده و زنان با تابوهای قاعدگی و هنجارهای سختگیرانه در درون و بیرون خانواده روبه‌رو هستند. بدین ترتیب مفهوم "شرم پربودی" برای درک ننگ قاعدگی بسیار مهم است. شرمندگی زنان نسبت به چرخه قاعدگی را می‌توان در پنهان کردن قاعدگی، و محدود کردن خود در کارهایی که می‌توانند در طول قاعدگی انجام دهند مانند ورزش کردن مشاهده نمود. شرمساری پربودی موجب تقویت عنصر فرهنگی کثیف بودن زنان در طول دوران قاعدگی است (Lese, 2016: 4). انگ قاعدگی نه تنها موجب احساس شرم در افراد می‌شود، بلکه با انتظارات اجتماعی پنهان کردن فیزیکی و کلامی قاعدگی همراه است (Tomlinson, 2025: 21). هم‌چنین معمولاً به دختران نوجوان می‌آموزند که در مورد قاعدگی در ملاءعام سخن نگویند (Roberts, et.al, 2002: 132; Mukta & Subramanyam, 2020: 11). انگ‌های قاعدگی، عادت ماهانه زنان را به‌مثابه آلوده ب شرم و نیازمند پنهان کردن می‌پندارند. قاعدگی،

نماد مفهوم کلی از زنانگی است و مسائل مربوط به زنانگی نباید در فضاهای تحت سلطه مردانگی برجسته شود (Lese, 2016: 4). مردم‌شناسان هنوز شواهدی می‌یابند که نشان از درک زنان در حال قاعدگی به مثابه آلوده‌کننده دارد (Roberts, et.al, 2002: 132). هوپرت (۲۰۰۰) مفهوم «فرهنگ پنهان‌کاری» را برای اشاره به شرمی که زنان را به مخفی نگه داشتن قاعدگی خود وادار می‌کند، ابداع نمود. وود (۲۰۲۰) از این پدیده به عنوان «ضرورت پنهان کردن» یاد کرده است (Tomlinson, 2025: 21). می‌توان گفت برداشت منفی از قاعدگی و تابوهای آن، احساس شرم و خجالت، آلوده‌انگاری خود، احساس خطر، احساس ترس و ضرورت پنهان‌کاری را به دختران تحمیل می‌کند.

آموزش بلوغ و قاعدگی

مادران اغلب منبع اولیه دانش در مورد بلوغ در جوامع غربی هستند، اما در جوامع کمتر توسعه یافته مادران درباره مسائل حساس [با فرزندان] صحبت نمی‌کنند. در گذشته دو منبع متداول دانش، مادر بزرگ‌ها و خاله‌ها یا خواهران بزرگ‌تر و سایر زنان جامعه بودند (Bacalja & Ndaferankhande, 2020: 435). مطالعات بسیاری در کشورهای هند، پاکستان، بنگلادش و اندونزی حکایت از دانش ناکافی دختران در مورد قاعدگی در جوامع کم‌تر توسعه یافته دارند (Coast. Et.al, 2019: 297; Msovela et al, 2025: 1). به تدریج منابع اطلاعاتی دیگری همچون: مدرسه، گروه همسالان، رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و فضاهای مجازی برای آموزش بلوغ به کمک مادران آمدند (Tiwari, et.al, 2006: 424) گاه والدین می‌توانند به عنوان مانعی برای دریافت آموزش دقیق و با کیفیت بلوغ جوانان عمل کنند. نگرش‌ها و رفتارهای شخصی والدین مربوط به بلوغ و موضوعات مربوط به سلامت جنسی می‌تواند تحت تأثیر دیدگاه‌های اجتماعی- فرهنگی، اعتقادات سیاسی و تربیت آن‌ها باشد (Schmitt et al, 2022: 4). انگ قاعدگی ممکن است والدین را از صحبت با فرزندان خود منصرف کند (Tomlinson, 2025: 22). خصوصی بودن فرآیند قاعدگی چنان قوی است که سخن گفتن لازم و اجباری با یکدیگر درباره آن، رمزآلود است (Lese, 2016: 4). اگر زنان جوان اطلاعات کافی در این باره نداشته باشند، احتمالاً از بدن خود احساس شرم می‌کنند و عزت نفس پایینی را تجربه می‌نمایند که می‌تواند منجر به بیگانگی از زنانگی شده و تا بزرگسالی باقی بماند (Tomlinson, 2025: 22). بنابراین دریافت اطلاعات درست در زمان مناسب بر نحوه مواجهه با تجربه بلوغ و درک مثبت از خود به عنوان یک زن می‌تواند تأثیر بگذارد. ارتباط این درک از زنانگی بر جنبه‌های مختلف هویتی زندگی یک دختر جوان را نمی‌توان نادیده گرفت.

روش‌شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، پدیدارشناسی است. اصطلاح «پدیدارشناسی» از نظر هوسرل به معنای توصیف، اکتشاف، تجزیه و تحلیل پدیده (ازکیا و احمدش، ۱۳۹۹: ۱۶۳). پدیدارشناسی

تجربه بلوغ و درک از زنانگی در دختران هرگز ازدواج نکرده شاغل و تحصیلکرده

به معنای تجارب زیسته افراد متعدد از یک مفهوم یا پدیده است. پدیدارشناسان اشتراکات مشارکت‌کنندگان در تجربه یک پدیده را مدنظر قرار می‌دهند. هدف اصلی پدیدارشناسی، تقلیل تجارب افراد از یک پدیده به توصیفی از ماهیت واقعی آن چیز است. این توصیف شامل «آنچه» آن‌ها تجربه کرده‌اند و «چگونگی» تجربه آنان است (کرسول، ۱۳۹۸: ۷۹).

با توجه به ماهیت پرسش آغازین، تلاش شد تا با ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به فهم تجربه زیسته دختران مجرد شاغل و تحصیل‌کرده از بلوغ و نقش این تجربه بر درک آن‌ها از زنانگی دست یابیم. پس از تشریح موضوع تحقیق و کسب رضایت مشارکت‌کنندگان، گردآوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه آغاز شد. هر مصاحبه بین ۲ تا ۳ ساعت به طول می‌انجامید و در نهایت با ۳۰ زن مصاحبه شد.

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش دختران شاغل و تحصیل‌کرده ۲۵ تا ۴۵ ساله هرگز ازدواج‌نکرده ساکن شهرستان‌های سمنان و شاهرود بودند. نمونه‌گیری از نوع هدفمند بود و حجم نمونه بر اساس اشباع نظری تعیین شد. مشخصات مشارکت‌کنندگان در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲: مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان تحقیق

ردیف	نام	سن	تحصیلات	رشته تحصیلی	شغل	شهر
۱	زری	۳۹	دانشجوی دکترا	جامعه‌شناسی	۱-حدرس حق‌التدریس-۲-کارمند	سمنان
۲	مریم	۳۳	لیسانس	امور دارویی	۱-کارمند-۲-مربی ورزشی	سمنان
۳	الهه	۲۶	لیسانس	حقوق	کارمند	سمنان
۴	بی‌تا	۲۵	لیسانس	پرستاری	پرستار	شاهرود
۵	بهاره	۴۴	لیسانس	ادبیات	شرکت صنعتی	سمنان
۶	آناهیتا	۳۲	فوق لیسانس	مهندسی شیمی	شرکت صنعتی	سمنان
۷	مانده	۳۳	دانشجوی دکترا	فیزیولوژی ورزشی	کارمند	سمنان
۸	کوثر	۲۸	فوق لیسانس	مدیریت مالی	کارمند	سمنان
۹	فاطمیما	۳۳	فوق لیسانس	مهندسه کشاورزی	کارمند	سمنان

۱۰	آسپه	۲۹	لیسانس	ادبیات فارسی	صندوقدار	سمنان
۱۱	آزیتا	۲۶	لیسانس	مدیریت صنعتی	صندوقدار	شاهرود
۱۲	مطهره	۲۸	لیسانس	کامپیوتر	صندوقدار	شاهرود
۱۳	فرح	۳۶	لیسانس	کامپیوتر	کارمند	سمنان
۱۴	پرپا	۴۰	فوق لیسانس	علوم تربیتی	معلم	سمنان
۱۵	مونا	۲۹	لیسانس	پرستاری	پرستار	شاهرود
۱۶	مهسا	۴۲	فوق لیسانس	حقوق جزا و جرم شناسی	کارمند	سمنان
۱۷	آرزو	۳۸	لیسانس	ادبیات	آرایشگر	سمنان
۱۸	نازنین	۳۳	لیسانس	حسابداری	۱-مربی ورزشی ۲- حسابدار	سمنان
۱۹	معصومه	۳۵	فوق لیسانس	روان شناسی	معلم	شاهرود
۲۰	کیمیا	۳۰	فوق لیسانس	روان شناسی	مشاور	شاهرود
۲۱	نسترن	۳۲	فوق لیسانس	حقوق	وکیل	شاهرود
۲۲	فریده	۲۸	فوق لیسانس	تربیت بدنی	مربی ورزشی	شاهرود
۲۳	راحله	۳۰	فوق لیسانس	روان شناسی	معلم	شاهرود
۲۴	فائزه	۳۴	لیسانس	علوم تربیتی	منشی دفتری	شاهرود
۲۵	نادیا	۳۴	فوق لیسانس	حقوق خصوصی	وکیل	شاهرود

تجربه بلوغ و درک از زنانگی در دختران هرگز ازدواج نکرده شاغل و تحصیلکرده

۲۶	سیمین	۳۲	دکتر	پزشکی	پزشک	شاهرود
۲۷	آوا	۳۹	لیسانس	معماری	منشی دفتری	شاهرود
۲۸	شبیم	۲۷	لیسانس	نرم افزار کامپیوتر	۱- منشی دفتری-۲- بازاریاب	شاهرود
۲۹	سلما	۲۶	لیسانس	دبیری آموزش و پرورش	۱- معاون آموزشی ۲- حسابدار	سمنان
۳۰	فهیمة	۴۱	فوق لیسانس	روانشناسی	کارمند	شاهرود

تذکر: برای حفظ حریم خصوصی مشارکت کنندگان، کلیه اسامی به کار رفته در جدول بالا مستعار است. هم چنین با اجتناب از ذکر عنوان دقیق شغل و محل اشتغال، گمنامی آن ها حفظ شد.

روش تجزیه و تحلیل داده ها مبتنی بر پدیدارشناسی تفسیری است. توصیف داده ها پس از پیاده سازی مصاحبه ها، در دو سطح استخراج و با توجه به خط سیر داستان مشارکت کنندگان بر مبنای ترتیب وقوع حوادث، رویدادها به تفسیر و تجزیه و تحلیل داده ها پرداختیم. در واقع با معنا دادن به یافته ها و انتزاعی نمودن آن ها، الگوها و معانی حاصل از داستان ها تفسیر گردید.

برای نیل به معیارهای اعتبارپذیری، اطمینان پذیری، تأییدپذیری و انتقال پذیری، در جریان پیاده سازی و ثبت مصاحبه ها، مفاهیم به دست آمده از طریق تماس با مشارکت کنندگان و در میان گذاشتن مفاهیم به دست آمده از مصاحبه ها با ایشان کوشیدیم از صحت مفاهیم به دست آمده اطمینان یابیم. هم چنین یافته های حاصل از تحلیل تک تک مصاحبه ها در جلسات متعدد با استادان به بحث گذاشته و بازبینی شد. گفته های مشارکت کنندگان به هنگام ارجاع، عیناً و با تمامی جریات آورده شد و تنوع نمونه ها هم در تعداد و هم در مفاهیم در حال شکل گیری، مد نظر قرار گرفت. اگر چه این پژوهش ادعایی بر تعمیم ندارد، اما تلاش شده است تا به معیارهای انتقال پذیری در روش شناسی کیفی نزدیک شویم.

جدول ۳: کدگذاری، مفاهیم و مقوله‌های سطح ۱ و سطح ۲

کدها/مفاهیم	مقوله‌های سطح ۱	مقوله‌های سطح ۲
سن قاعدگی	زمان تجربه بلوغ	زمان رخداد بلوغ
نگرانی خانواده از عدم رخداد قاعدگی	اهمیت رخداد بلوغ	
عواطف و احساسات همراه با تجربه بلوغ	نحوه مواجهه با علائم بلوغ	
شرایط جسمی همراه با تجربه بلوغ	نحوه مواجهه با بلوغ	
سیلی خوردن هنگام رخداد قاعدگی	آداب و رسوم مواجهه با بلوغ	
نقش حمایتی مادر در مواجهه با بلوغ	نقش مادر در مواجهه با بلوغ	
نقش غیرحمایتی مادر در مواجهه با بلوغ		
عدم آگاهی قبلی از بلوغ	مواجهه ناآگاهانه با بلوغ	
آگاهی ناقص توسط مادر، مدرسه و ... از بلوغ	مواجهه نیمه آگاهانه با بلوغ	سطح آگاهی از بلوغ
آگاهی کامل از بلوغ پیش از رخداد قاعدگی	مواجهه آگاهانه با بلوغ	
زن به مثابه موجودی محدود		
زن به مثابه موجودی جنگ‌جو و طغیان‌گر		
زن به مثابه موجوی لطیف و احساساتی	درک از زن	
تعریف دوگانه (زن به مثابه موجودی ضعیف در عین حال قوی)		درک از زنانگی
رضایت از زن بودن		
عدم رضایت از زن بودن و تمایل به مرد بودن	رویکرد به جنسیت خود	
تمایل به بدون جنسیت بودن (یا جنسیت خنثی)		

ازدواج به مثابه ضرورت	
ازدواج به مثابه محدودیت	
ازدواج به مثابه یک انتخاب	درک از ازدواج
ازدواج به مثابه نقطه توقف	
میل به ازدواج	تمایل به ازدواج
عدم تمایل به ایفای نقش‌های جنسی	رویکرد به ازدواج
عدم تمایل به پذیرش سلطه مردانه	
سرگردانی جنسیتی	عدم تمایل به ازدواج
عدم احساس نیاز به ازدواج	

یافته‌های پژوهش

به نظر می‌رسد یکی از عناصری که بر درک از زنانگی اثر می‌گذارد، نحوه مواجهه با رخداد قاعدگی و تجربه بلوغ است. جدول ۳ نشان می‌دهد که کدگذاری سطح ۱، به سیزده مقوله منجر شده است. در سطح ۲ پنج مقوله اصلی شامل ۱- زمان رخداد بلوغ، ۲- نحوه مواجهه با بلوغ، ۳- سطح آگاهی از بلوغ، ۴- درک از زنانگی و ۵- رویکرد به ازدواج ظاهر شدند.

زمان رخداد بلوغ

در این پژوهش، سن تجربه بلوغ مشارکت‌کنندگان با هم تفاوت‌هایی داشت؛ آنان در یک‌بازه سنی ۱۱ تا ۱۷ سالگی قاعدگی را تجربه کرده‌بودند.

اغلب مشارکت‌کنندگان در سنین بین ۱۱ تا ۱۴ سالگی بلوغ را تجربه کردند. نازنین در این‌باره می‌گوید: «۱۱ سالم بود. خیلی زود پریود شدم.» همچنین سیمین می‌گوید: «خیلی کوچیک بودم. ۱۲ سالم بود که پریود شدم.» فاطیما نیز در این‌باره می‌گوید: «۲۲ خرداد بود. دقیق یادمه. سال دوم راهنمایی ام بودم. فکر کنم می‌شه ۱۳ سالگی.»

اما ۴ نفر از مشارکت‌کنندگان در سال‌های پایانی مقطع دبیرستان و حتی بعد از دیپلم قاعدگی با تأخیر را تجربه کردند. مهسا می‌گوید: «من سوم دبیرستان، پریود شدم. به‌نظر خیلی دیر شده بود. من دو تا خواهرام که کوچیک‌تر از من بودن، هر دوتاشون شده بودن، ولی من نمی‌شدم.» نادیا در ۱۸ سالگی به بلوغ

رسید. او می‌گوید: «نسبت به همه دخترای دور و برم- از فامیل گرفته تا همسایه و همکلاسی‌هام- من دیرتر پیروید شده بودم...».

نحوه مواجهه با بلوغ

یکی از مقولات اصلی که در سطح ۲ کدگذاری به آن دست یافتیم، مقوله «نحوه مواجهه با بلوغ» است که شامل زیرمقوله‌های «اهمیت رخداد بلوغ»، «نحوه مواجهه با علائم بلوغ»، «آداب و رسوم مواجهه با بلوغ» و «نقش مادر در مواجهه با بلوغ» می‌شود.

اهمیت رخداد بلوغ

رخداد بلوغ برای مشارکت‌کنندگان بسیار مهم بود. در برخی موارد عدم وقوع بلوغ در سنین معمول (۱۲ تا ۱۵ سالگی) موجب نگرانی فرد و خانواده شده بود، زیرا تجربه دیر هنگام بلوغ، ترس از بیماری و مشکل جنسی-جنسیتی را به ذهن دختران نوجوان و خانواده‌ها متبادر می‌کرد.

فرح که در ۱۷ سالگی بلوغ را تجربه کرده، می‌گوید: «من منتظر بودم پیروید شم. چون همه دوستانم شده بودن ولی من نه. برام دغدغه شده بود که چرا نمی‌شم. می‌گفتم نکنه مریضم...»

پریا که با بلوغ دیر هنگام در ۱۷ سالگی، دائماً خود را با گروه دوستانش مقایسه می‌کرد، عدم تجربه بلوغ را از دوستانش پنهان کرده بود. او می‌گوید: «نسبت به هم‌سن و سالام من خیلی دیر پیروید شدم. فکر کنم سوم دبیرستان بودم. همش داشتم غصه می‌خوردم که چرا همه بچه‌ها دارن راجع به این موضوع که براشون پیش اومده، حرف می‌زنن و من نه. خیلی نگران بودم... البته به دوستانم نگفته بودم. همش می‌ترسیدم نکنه یهو تبدیل به یه مرد بشم.»

نادیا که در ۱۸ سالگی بلوغ را تجربه کرده است، می‌گوید: «دبیرستان که بودم، دوستانم می‌گفتن ما پیروید هستیم. تو دلم می‌گفتم من چرا نمی‌شم. مامانم می‌خواست منو بیره دکتر و آخر هم برد. دکتر گفت مشکلی نیست و کسی که دیر پیروید می‌شه، احتمالاً یائسگی دیرتری هم داره. مامانم همش نگران بود. هر روز منتظر بود بشم...»

نحوه مواجهه با علائم بلوغ

مشارکت‌کنندگان به‌هنگام نخستین تجربه قاعدگی و مواجهه با علائم و نشانه‌های بلوغ به‌لحاظ عواطف، احساسات و شرایط جسمانی تجربیات متفاوتی داشتند. به‌جز تعداد کمی از مشارکت‌کنندگان، آن‌چه در اغلب آنان مشترک است، سعی در پنهان کردن علائم بلوغ است.

تجربه بلوغ و درک از زنانگی در دختران هرگز ازدواج نکرده شاغل و تحصیلکرده

عواطف و احساسات همراه با تجربه بلوغ

مشارکت‌کنندگان به‌هنگام مواجهه با علائم بلوغ، احساسات مختلفی را تجربه نمودند. ترس، نگرانی، اضطراب و استرس، فریاد کشیدن، خجالت، گریه، تنفر از خود، احساسات منفی و سعی در پنهان کردن علائم بلوغ از جمله حالات روحی و احساساتی است که هم‌زمان با قاعدگی با آن روبه‌رو شده‌اند. برخی از آن‌ها دچار ترس و نگرانی شدند. کوثر پس از مواجهه با بلوغ بسیار ترسیده است. او می‌گوید: «می‌خواستیم بریم خونه عمم مهمونی. من ... پرپود شدم. خیلی ترسیدم.» آرزو که با ترس ناشی از مشخص شدن علائم و شرایط بلوغ مواجه بود، می‌گوید: «من می‌ترسیدم. زنگ ورزش وقتی پرپود بودم، می‌مردم از ترس. می‌ترسیدم موقع پروانه رفتن...» شبنم علاوه‌بر ترس، نگران این بود که مبادا بیمار شده باشد. او می‌گوید: «اولش ترسیده بودم. گفتم نکنه مریض شده باشم. حس خیلی بدی داشتم. اصلاً عصبی بودم، از خودم بدم می‌اومد...» مهسا استرس همراه با مواجهه با رخداد بلوغ را این‌گونه توصیف می‌کند: «خونه بودم. یک‌دفعه‌ای استرس گرفتم. استرس این‌که بزرگ شدم دیگه...»

برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان، پس از مواجهه با علائم بلوغ سعی کردند آن را پنهان نمایند. فهمیه می‌گوید: «صبح که از خواب پا شدم ... خون دیدم. تا ۲۴ ساعت به مامانم هیچی نگفتم. فکر می‌کردم این حریم منه، شخصیه خیلی و کسی نباید بدونه...» الهه نیز زمان تجربه بلوغ سعی در پنهان کردن علائم آن داشته و بسیار ترسیده‌است. او می‌گوید: «اولین بار که ... لکه خون دیدم، ... همه رو قایم کردم توی کشو... خیلی هم ترسیده بودم خیلی... گریه می‌کردم. خیلی حس بدی داشتم.»

نازنین می‌گوید: «تا ۷ ماه به مامانم نمی‌گفتم، چون می‌ترسیدم. خیلی مضطرب شده بودم. خجالت می‌کشیدم... اصلاً از خودم بدم می‌اومد...»

شرایط جسمی همراه با تجربه بلوغ

درد، یکی از نشانه‌های جسمی و فیزیکی است که بیشتر مشارکت‌کنندگان هنگام نخستین مواجهه با رخداد بلوغ درک کرده بودند. دل‌درد، سرگیجه، حالت تهوع و احساس ضعف و بی‌اشتهایی، از شرایط و ویژگی‌های جسمانی بود که آنان مطرح کرده‌اند. راحله در این باره می‌گوید: «روی پاهام نمی‌تونستم بایستم. اصلاً گشتم نمی‌شد. فقط دلم می‌خواست بخوابم. حوصله نداشتم حتی کسی با من حرف بزنه. چون از درد به خودم می‌پیچیدم فقط.»

پریا نیز شرایط جسمانی خود به‌هنگام رخداد قاعدگی را این‌گونه توصیف می‌کند: «اون روز خونه بودم. دل‌درد بودم. خیلی حالم بد بود.»

مهسا می گوید: «دل درد داشتم. سرم گیج می رفت. هنوزم دل درد می شم...»
مائده می گوید: «مدرسه که بودم، دل درد داشتم. اومدم خونه... دیدم پریود شدم. خون که دیدم حالم بهم خورد. تمام خونه دور سرم می چرخید. خیلی روز بدی بود.»

آداب و رسوم مواجهه زنان با بلوغ

برخی از مشارکت کنندگان به هنگام مواجهه با بلوغ، با فرهنگ و آداب و رسوم خاصی روبه رو شده اند. تعدادی از آنان به هنگام تجربه بلوغ، از مادر یا سایر زنان نزدیک فامیل، سیلی خورده بودند. مشارکت کنندگان دلایلی چون از بین رفتن ترس، زیبایی صورت و نداشتن غرور را برای این رسم بیان کردند. سلما یکی از دخترانی است که به هنگام رخداد بلوغ از مادرش سیلی خورده است. او می گوید: «... به مامانم گفتم. زد تو گوشم. گفت زدم که غرورت بریزه. منم گریم گرفت. گفتم چرا میزنی مگه تقصیر منه؟»
آسیه می گوید: «به مامانم گفتم ... مامانم گفت هم چنین موقع هایی باید بزنی تو گوش دختر که ترسش بریزه. ولی یادمه خیلی آروم زد و گفت رسمه.»

آزیتا که پس از مطرح کردن وقوع بلوغ با زنان نزدیک فامیل، سیلی خورده بود، می گوید: «شب بود داشتیم منج بازی می کردیم. عمم و دخترعمه هام خونه ما بودن. به دخترعمم گفتم فکر کنم پریود شدم. اون زد توی صورتم. گفت رسمه.»

فرح در رویکردی متفاوت درباره تجربه سیلی می گوید: «ما باغ مون بودیم.... به مامانم گفتم. زد توی گوشم. گفت برا اینه که لپت گل بندازه. لپ هات قرمز می مونه. به من اینو گفت.»
فائزه نیز در این باره می گوید: «خالم زد توی گوشم. گفت رسمه می زنن تو گوش زردگونه نشی. که صورت سرخ و سفیدی داشته باشی. یه رسمه. می گن اگه نزنن همیشه زرد و زار می شه قیافه دختر.»
گفتنی است که برخی از مشارکت کنندگان از رسم سیلی زدن به هنگام رخداد بلوغ از سوی مادر به دختر کاملاً بی اطلاع بودند. آرزو در این باره می گوید: «نه چرا باید تو گوشم می زد؟ وای واقعاً؟ من تا حالا نشنیدم هیچ چیز رو. مطمئنم سمت ما این رسما نیست.»

برخی دیگر از مشارکت کنندگان گفتند که علی رغم وجود این رسم و آگاهی از آن، این سنت در مورد آن ها اجرا نشده است. فاطیما می گوید: «وقتی رفتم به مامانم گفتم. مامانم یه کم خندید. بعد گفت عجعع مبارک باشه. من شنیده بودم که مامانا می زنن تو گوش دخترا. دخترخاله هامم یه چک خورده بودن همشون وقتی پریود شدن. منتظر بودم که مامانم بزنه ولی نزد. نمی دونم چرا.»

شبنم که از ترس سیلی خوردن، بلوغ خود را از مادرش تا مدت ها پنهان کرده بود، می گوید: «من یکی از دلایلم که به مامانم نگفتم این بود که می ترسیدم منو بزنه. چون خیلی ها گفتن می زنن تو گوش. من ترسیدم منو بزنه. ولی مامان من وقتی فهمید نزد.»

تجربه بلوغ و درک از زنانگی در دختران هرگز ازدواج نکرده شاغل و تحصیلکرده

نقش مادر در تجربه بلوغ

در این پژوهش، نقش مادر در مواجهه با نخستین علائم زنانگی و بلوغ در میان مشارکت‌کنندگان متفاوت بود. برخی از آنان پیش از مواجهه با علائم بلوغ، از طریق مادر از آن آگاهی یافته و پس از تجربه بلوغ از حمایت مادر برخوردار شده بودند.

بی‌تا که مادرش راجع به پیروزی به او توضیح داده و شرایط لازم را برای دخترش فراهم کرده بود، می‌گوید: «مامانم قبلش بهم گفته بود. وقتی شدم برام ... خرید. مامانم خوشحال بود گفت یادته مثلاً بهت گفتم منم اینجوریم. هر ماه این‌طوری می‌شم. الان برای تو هم شروع شده.»

سلما می‌گوید: «قبل از اون‌که بشم، می‌دونستم. مامانم که ... مصرف می‌کرد، فهمیده بودم. ازش پرسیده بودم. اونم بهم گفت دخترا فقط این‌طوری می‌شن. وقتی شدم. مامانم مواظب بود. خودش برام ... می‌گرفت همیشه. حالا تو این سن و سال هم وقتی من پیرو می‌شم، مامانم خیلی حواسش بهم هست. ...»

سیمین می‌گوید: «.... بعد از این‌که اتفاق افتاد. ... یادمه ... درد داشتم خیلی. مامان بهم مسکن داد. چای نبات داد. توی گوشم نزد. خیلی هم نازمو می‌کشید اتفاقاً.»

آناهیتا نیز رفتار محبت‌آمیز مادرش به‌هنگام مواجهه با علائم بلوغ را این‌گونه توضیح می‌دهد: «به مامان گفتم همین کافی بود که مامان بفهمه. گفت اشکالی نداره مامان جون. پیرو شدی. بهم ... داد.»

اما برخی دیگر از آنان نه تنها پیش از مواجهه با علائم بلوغ، اطلاعات خاصی از مادر خود دریافت نکرده بودند، بلکه پس از آگاهی مادر از رخداد بلوغ با سرزنش و رفتار خشونت‌آمیز مادر و فشار برای پنهان کردن آن مواجه شده بودند. نازنین می‌گوید: «بعد از ۷ ماه یه جایی رو کتیف کردم. مامانم دید و فهمید. کلی سرزنش کرد. هی گفت خاک تو سرت و فلان.»

فریده که از پس از اطلاع بلوغ به مادرش مورد خشونت و سرزنش قرار گرفته است، می‌گوید: «ده، یازده ساله بودم. خیلی کمرم درد می‌کرد یه رو از صبح. غروبش دیدم دست و پام می‌لرزید. به مادرم گفتم. دست مو کشیده با عصبانیت و فحش منو برد حموم. گفت نمازت قضا شده. من خیلی فکر کردم که نمازم قضا شده یعنی چی. چرا مامانم اینجوری کرد. گفت بزرگ بشی می‌فهمی. گفت دهن تو می‌بندی. جلو بابات هیچی نمی‌گی.»

سطح آگاهی از بلوغ

براساس یافته‌های این پژوهش، میزان و نحوه آگاهی مشارکت‌کنندگان از بلوغ متفاوت بوده است. برخی از آن‌ها کاملاً آگاهانه، برخی نیمه‌آگاهانه و برخی دیگر ناآگاهانه بلوغ را تجربه کرده‌اند.

مواجهه آگاهانه با بلوغ

در میان مشارکت‌کنندگانی که آگاهانه، با بلوغ مواجه شده بودند، دسته‌ای این آگاهی را از طریق مدرسه و گروه دوستان و دسته‌ای دیگر آن را از طریق مادر یا زنان و دختران فامیل به دست آورده بودند. راحله می‌گوید: «داخل مدرسه به توضیحاتی داده بودن بهم. برام چیز عجیبی نبود. من می‌دونستم و آمادگی قبلی داشتم، واسه همین نترسیدم. شوکه نشدم. خیلی راحت پذیرفتمش.» فرح که از طریق گروه دوستان و در مدرسه، اطلاعاتی در زمینه بلوغ داشت، می‌گوید: «من خیلی دیرتر از هم‌کلاسی‌هام پررود شده بودم. یادمه اونا همشون زودتر از من شده بودن. واسه همین من می‌دونستم دیر یا زود اتفاق میفته.» آنایتا نیز می‌گوید: «قبلش تو مدرسه و بین دوستان صحبت شده بود. ولی مامان اصلاً راجع به این قضیه صحبتی باهام نکرده بود. ولی به هر حال من می‌دونستم.»

بهاره به واسطه دختران فامیل از ماهیت بلوغ آگاهی یافته‌است. او می‌گوید: «من می‌دونستم... دخترخاله‌ها که می‌نشستیم با هم دیگه حرف می‌زدیم، بیشتر این صحبت‌ها می‌شد.» آریتا نیز می‌گوید: «آره می‌دونستم، خب من دخترخاله خیلی دارم و دو رو برم زیاد دختر بودن و می‌شنیدم خب از شون....»

سیمین به واسطه مادرش که پرستار بود، درباره شرایط بلوغ آگاهی داشت. او می‌گوید: «مادرم بهمون گفته بود، خانم‌ها وقتی بزرگ می‌شن به سری تغییرات توشون ایجاد می‌شه. خوب مادرم پرستار بود. آناتومی رحم و بدن زنانه رو برامون توضیح داد. بعد ۱۱ سالم که شد گفت یکی از این تغییرات خونریزیه رحمه.»

مواجهه نیمه‌آگاهانه با بلوغ

برخی از مشارکت‌کنندگان، با اطلاعاتی جزئی و ناقص با بلوغ مواجه شدند. این گروه اگرچه کاملاً ناآگاه نبودند، اما آگاهی دقیقی از ماهیت و شرایط بلوغ نیز نداشتند.

آسیه می‌گوید: «خیلی جزئی می‌دونستم. مامانم وقتی نماز نمی‌خوند، می‌گفت خانم‌ها در ماه ۷ روز خدا بهشون استراحت میده. نباید نماز بخونن. در این حد می‌دونستم بیشتر نه.»

مونا می‌گوید: «فقط توی مدرسه دبیر ... موقع نماز جماعت ظهر در مورد غسل توضیح داده بود. بعد من از بچه‌ها به چیزایی می‌شنیدم. کنجکاو شده بودم. از مامانم چند بار پرسیدم، ولی توضیح نداد. نمی‌دونم چه - جوری پیچوند منو. تا وقتی که دیگه خودم شدم. بعد بهم گفت.»

شبنم نیز می‌گوید: «تقریباً به چیزایی می‌دونستم، ولی خیلی نه. ... رو نمی‌دونستم برای چی استفاده می‌شه. اما یکی از دوستانم بهم گفته بود ولی باز من خیلی حالم نمی‌شد.»

تجربه بلوغ و درک از زنانگی در دختران هرگز ازدواج نکرده شاغل و تحصیلکرده

مواجهه ناآگاهانه با بلوغ

برخی از مشارکت‌کنندگان بدون هیچ‌گونه آگاهی قبلی با بلوغ مواجه شده‌اند. آرزو می‌گوید: «نه من هیچی نمی‌دونستم. اصلاً همون موقع که پیش اومد، خواهر بزرگم برام توضیح داد. مامانم و خواهرام قبلش هیچی بهم نگفته بودن.» او دو خواهر داشت.

بهاره نیز می‌گوید: «اصلاً نمی‌دونستم که چی هست؛ یعنی هیچ‌کی برای من توضیح نداده بود. نه مدرسه نه مامانم. بعد که پریدم شدم، تازه مامانم شروع کرد بهم توضیح دادن. گریه می‌کردم. ترسیده بودم. شاید اگه قبلش بهم توضیح داده‌بودن. یه همچین حسی نمی‌داشتم.»

فائزه که تنها دختر خانواده بود، می‌گوید: «خونه دایم دعوت بودیم... بعد یه داد بلند زد. تا زمانی که پریدم نشدم، مامانم صحبتی باهام نکرده بود. حتی نوار بهداشتی هم نمی‌دونستم چیه.»

تفاوت نسلی و میزان آگاهی در نحوه مواجهه با بلوغ

در تجربه بلوغ میان مشارکت‌کنندگان از نسل‌های مختلف تفاوت‌هایی مشاهده شد. برخی از آنان کاملاً در سکوت اطلاعاتی، به‌شکل ناگهانی و بدون آگاهی قبلی با بلوغ مواجه شده‌بودند. مادران آن‌ها پس از رخداد بلوغ، شروع به ارائه اطلاعات به دختر نوجوان خود می‌کردند. این گروه از مشارکت‌کنندگان که در سنین بالای ۴۰ سال قرار داشتند و به‌عبارتی متعلق به دهه ۵۰ بودند، در مواجهه با بلوغ آگاهی بسیار اندکی داشتند و معمولاً به این موضوع اشاره کردند که در زمینه بلوغ، سکوت اطلاعاتی ناشی از شرم و حیا در بین مادران آن‌ها نیز حاکم بوده است. مهسا ۴۲ ساله، می‌گوید: «برای نسل ما، مادرا از ما خجالتی‌تر بودن. چه برسه بخوان راجع به این موضوعات صحبت کنن. من از دوستانم از بچه‌های مدرسه یه چیزایی شنیده بودم.» هم‌چنین پریا ۴۰ ساله می‌گوید: «مامان من کلاً زن خجالتی‌ای بود و هست. هیچ‌وقت تا الان که به این سن رسیدم راجع به این چیزها با من حرفی نزده. اصلاً نمی‌دونه کی پریدم می‌شم.»

این درحالی است که در نسل‌های جوان‌تر، به‌ویژه مشارکت‌کنندگانی که متولد دهه ۷۰ هستند، مادران ارتباط بسیار نزدیکی با دختران خود دارند. در زمینه بلوغ، اطلاعاتی را از پیش به دختر داده و حتی در تهیه لوازم مرتبط با آن نیز با او همکاری کرده و نقش حمایتی ایفا می‌کنند. آریتا ۲۶ ساله می‌گوید: «... مامانم که فهمید، اون شب برام ... خرید. واسم کاپی درست کرد.»

هم‌چنین مطهره که ۲۶ سال دارد، می‌گوید: «به مامان گفتم. با مامانم خیلی راحت. قبلاً بهم گفته بود. بغلم کرد. هنوزم هر وقت می‌شم هوامو داره.»

یکی دیگر از تفاوت‌هایی که در زمینه تجربه بلوغ به‌عنوان یکی از عناصر زنانگی در مشارکت‌کنندگان مشاهده شد، این است که مادران معمولاً توصیه به پنهان‌نمودن علائم زنانگی می‌کنند، اما دختران در نسل‌های جدیدتر تمایلی به پنهان‌کاری ندارند. بیتا ۲۸ ساله ^۵ «وقتی پریدم می‌شدم، مامانم می‌گفت باید مواظب

باشم مردا(بابام، بابایزرگم داداشم ...) نفهمن من پریودم. ولی من این طوری نیستم. الآن مثلاً میرم بیرون می خرم، میذاره تو نایلون سیاه، می گم بذار تو نایلون سفید. مگه من دارم چاقو می خرم؟ یا مثلاً اگر جایی باشم بگن چته می گم من پریودم. خیلی راحت و بی حالیم مثلاً بخاطر اینه.»

درک از زنانگی

چهارمین مقوله از مقولات اصلی، مقوله «درک از زنانگی» است که دو زیر مقوله «درک از زن» و «رویکرد به جنسیت» در ذیل آن شناسایی شد.

درک از زن

در این پژوهش واژه «زن» نزد هریک از مشارکت کنندگان به شکل متفاوتی فهمیده می شود. «زن به مثابه موجودی فرو دست و محدود»، «زن به مثابه موجودی جنگ جو و عصیان گر»، «زن به مثابه موجوی لطیف و احساساتی» و «زن به مثابه موجودی ضعیف و در عین حال قوی» چهار نوع درکی است که آنان از زن بودن داشتند.

برخی از مشارکت کنندگان زن را به مثابه موجودی فرو دست و محدود می دانستند. آنان در تعریف خود از زن به بهره مند نبودن از قوانین و شرایط حمایتی در خانه و اجتماع و نیز مواجهه با محدودت های مختلف اشاره کردند. نازنین عدم برخورداری زنان از حمایت های عاطفی و قانونی در دوران قاعدگی در خانواده و جامعه را ناشی از فرو دست انگاشتن زن توسط جامعه می داند. او می گوید: «توی ایران یا حداقل توی سمنان زن خیلی بی ارزشه. مثلاً خانومی که پریود می شه بهش می گن پاچه می گیری. تمام زن های دنیا عادت ماهیانه می شن، خانواده و جامعه حمایت شون می کنن، قانون حمایت شون می کنه. ولی به ما می گن پاچه نگیر. چرا؟ می دونی چرا؟ چون توی جامعه ما زن بی ارزشه. زن یعنی همین. هیچی حسابت نمی کنن.» مائده زن بودن را به مثابه محدودیت می داند. او می گوید: «تا وقتی پریود نشده بودم، خیلی راحت با همه پسرای فامیل بازی می کردم، بعدش خانواده می گفتن مواظب خودت باش. با دخترا بازی کن.»

برخی از مشارکت کنندگان زن را به مثابه موجودی جنگ جو و عصیان گر معرفی کردند. نسترن می گوید: «... نمی تونی توی سرش بزنی. یه زن همون جورکه لطافت زنان شو داره، می تونه برای رسیدن به خواسته هاش بجنگه و این توانایی رو داره واقعاً که محیط اطراف شو عوض کنه.»

بینا که علی رغم فشار مادر برای پنهان کردن علائم بلوغ از این کار امتناع می کرد، زن را به عنوان موجودی مطالبه گر و سلطه ناپذیر می داند. او می گوید: «کسی که برای گرفتن حقش می جنگه. تو سری خور نیست. زور گوش نمی ده. اون قدر تلاش می کنه تا جایگاه واقعی شو به دست بیاره، زن واقعیه. به من گفتن نوار بهداشتی تو توی توالت جلو چشم نذار، ولی من توجه نمی کنم. چون زوره. چرا باید قایمش کنم؟ مگه اشتباهی می کنم؟»

تجربه بلوغ و درک از زنانگی در دختران هرگز ازدواج نکرده شاغل و تحصیلکرده

برخی از مشارکت‌کنندگان به لطافت و احساساتی‌بودن در تعریف زن اشاره کردند. آرزو می‌گوید:

«زن جنسش لطیفه. واسه همین باید ازش مراقبت بشه. باید بهش توجه بشه.»

فاطمه نیز با تکیه بر باورهای مذهبی خود، می‌گوید: «زن یعنی احساسات محض. توی نهج‌البلاغه حضرت علی می‌گه زن گله، کارهای سخت و طاقت‌فرسا رو بهش نسپار. ببین چه‌قد حساس و ظریفه که حضرت او را مثل گل توصیف کرده.»

برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان تعریف دوگانه‌ای از زن داشتند. آن‌ها از یک‌سو زن را توانمند، آفریننده و قوی می‌دانستند و از سوی دیگر، او را موجودی ظریف و ضعیف می‌شمردند. مهسا یک زن را در عین برخورداری از لطافت، دارای قدرت، استقلال و هوش می‌داند. او می‌گوید: «زن دو رو می‌تونه داشته باشه: یه روش ضعیف، شکننده و لطیفه. روی دیگه‌اش قوی، کاری، خردمند و باهوشه و به مرد جماعت وابسته نیست.»

سلما نیز زن را ظریف و قوی می‌داند. او می‌گوید: «برعکس دید آقایون که می‌گن زن ضعیفه است، من می‌گم خانوما ظریف اما قوی‌ان. خیلی از دردا و مشکلاتی رو که ما زنا تحمل می‌کنیم، مردا فکرشم نمی‌تونن بکنن. مثلاً زمان بارداری یا درد زایمان رو شما در نظر بگیر. هیچ مردی طاقت نمیاره.»

رویکرد به جنسیت خود

یکی دیگر از زیرمقوله‌های مقوله درک از زنانگی، «رویکرد به جنسیت خود» است. در این پژوهش، مشارکت‌کنندگان دو دیدگاه متفاوت نسبت به جنسیت خود داشتند. برخی از آنان از زن بودن خود رضایت داشتند. برخی دیگر از آنان از جنسیت خود راضی نبودند. در میان گروه دوم، برخی از آنان تمایل داشتند که مرد باشند، اما برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان اگرچه از زن بودن خود رضایت نداشتند، ولی نمی‌خواستند مرد باشند. آنان می‌خواستند بدون جنسیت باشند.

رضایت از زن بودن

برخی از مشارکت‌کنندگان از این که زن بودند، رضایت داشتند. الهه در این باره می‌گوید: «من هیچ وقت حسرت این که چرا پسر نشدم رو نمی‌خورم. از این که دخترم خیلی هم راضی‌ام. ...»

نسترن احساس مثبت نسبت به جنسیت خویش را این گونه مطرح می‌کند: «اصلاً دوست ندارم پسر باشم. از این که دخترم، راضی‌ام. حس خیلی خوبی به زن بودنم دارم.»

مائده نیز می‌گوید: «آره. من دوست داشتم همیشه، مگه چشمه زن بودن؟ من هیچ وقت نبوده که بدم بیاد از این که یه زنم. یا ناراحت باشم بگم وای چرا من زنم؟ مشکلی نداشتم با این قضیه...»

عدم رضایت از زن بودن

برخی از مشارکت‌کنندگان از جنسیت خود رضایت نداشتند. آنان تمایل داشتند که مرد باشند و تصور می‌کردند که اگر مرد بودند، از وضعیت بهتری در جامعه برخوردار بودند. فاطیما از جنسیت خود راضی نیست. او می‌گوید: «اصلاً دختر بودن رو دوست نداشتم. البته قبلاً بیش‌تر این حس در من غالب بود... فکر می‌کردم پسرا خیلی آزادترن. .. دلم می‌خواست منم پسر باشم. ... کلاً همیشه احساس می‌کنم اگه مرد بودم، بهتر بود همه چی.»

مریم نیز بر این باور است که اگر مرد بود، خوشحال‌تر بود. او می‌گوید: «از شرایطی که به‌عنوان یه خانوم توی جامعه دارم، اصلاً راضی نیستم. ولی نمی‌تونم بگم به‌طور کلی خوشم نمیاد زن باشم. به‌نظرم اگه مرد بودم، الان خیلی خوشحال‌تر بودم. خیلی کارا می‌تونستم انجام بدم که الان نمی‌تونم.»

تمایل به بدون جنسیت بودن

برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان اگرچه از زن بودن خود رضایت نداشتند، اما تمایلی هم به مرد بودن نداشتند. آنان از هرگونه جنسیت‌گریزان بودند.

سیمین می‌گوید: «خیلی دوست داشتم که آدما جنسیت نداشتن. من از این‌که زنم خوشحال نیستم... دوست داشتم زن نبودم، ولی دوست هم ندارم که مرد بشم. ۱۸ سالم که بود، از جنسیت خودم متنفر بودم. ... به تغییر جنسیت فکر نکردم هرگز. یه جورایی شاید به محو کردن جنسیت خودم فکر می‌کنم. مهم نیست که بگن مردم. مهم اینه که نگن زنم.» او در ادامه می‌گوید: «تنها دل‌خوشی من اسکیته. چون تنها جاییه که فراموش می‌کنم زنم. توی ورزش اسکی معلوم نیست زنی یا مرد. همه چی یه‌جوره. من کلاً سعی می‌کنم خیلی خنثی رفتارکنم. نه خیلی پسرونه نه خیلی دخترونه.»

فهیمة در دوره‌ای از این‌که زن است، بسیار ناراحت بود. او که تمایلی به مرد بودن هم نداشت، پذیرش اجباری زن‌بودن را این‌گونه توصیف می‌کند: «توی سیزده، چهارده سالگی اصلاً دوست نداشتم دختر باشم. واقعاً افسرده بودم از این‌که دخترم. ... بعد از این‌که پی‌یود شدم، مجبوری قبول کردم که دیگه زنم... دلم نمی‌خواد مرد بشم. سوءتفاهم نشه. ولی یه حس عجیبی دارم. نمی‌دونم چه‌جوری توضیح بدم برات.»

رویکرد به ازدواج

پنجمین مقوله اصلی که در سطح ۲ کدگذاری ظاهر شد، «رویکرد به ازدواج» است. که سه زیر مقوله «درک از ازدواج»، «تمایل به ازدواج» و «عدم‌تمایل به ازدواج» در ذیل آن شناسایی شد.

درک از ازدواج

یکی از زیرمقوله‌های مقوله اصلی رویکرد به ازدواج، «درک از ازدواج» است. در ذیل این زیر مقوله، مفاهیم «ازدواج به‌مثابه ضرورت»، «ازدواج به‌مثابه محدودیت»، «ازدواج به‌مثابه یک انتخاب» و «ازدواج به‌مثابه نقطه توقف» جای گرفت.

تجربه بلوغ و درک از زنانگی در دختران هرگز ازدواج نکرده شاغل و تحصیلکرده

ازدواج به مثابه ضرورت

برخی از مشارکت‌کنندگان ازدواج را یک ضرورت می‌دانستند. الهه می‌گوید: «به نظر من یکی از اصل‌های ضروری و حتمی زندگی هر زنی ازدواج کردنه...»
مطهره نیز می‌گوید: «ازدواج به بخش غیرقابل حذف از زندگیه ماست. همه باید به روز ازدواج کنن... برای تولیدمثل، برای تنها نبودن، برای رفع نیازمون به عشق، برای خواسته‌های جنسی مون باید ازدواج کنیم.»

ازدواج به مثابه محدودیت

برخی از مشارکت‌کنندگان ازدواج را محدودیت می‌دانستند. آنان در تعریف ازدواج به از دست دادن آزادی، استقلال شخصی، ضرورت تعهد و هماهنگی در زندگی مشترک با همسر و محدودیت ارتباطات اشاره کردند. نادیا می‌گوید: «من احساس می‌کنم ازدواج به‌جور محدودیده. دست و بال‌مو می‌بنده. دیگه این فراغ بالو ندارم. همیشه فکر می‌کنم از این حالت استقلالی که الان دارم، با ازدواج می‌آم بیرون.»
آسیه نیز در این باره می‌گوید: «هر جور حساب می‌کنم، ازدواج چیزی جز محدودیت نیست. ... خیلی کارا رو دیگه نمی‌تونم انجام بدم. ... مثلاً روابطت با خیلی از آدم‌ها محدود می‌شه.»

ازدواج به مثابه یک انتخاب

برخی از مشارکت‌کنندگان، ازدواج را تنها یکی از صدها انتخاب یک زن در زندگی می‌دانستند. بهاره می‌گوید: «... یا یکی با شرایطی که می‌خوام میاد و انتخابش می‌کنم یا این‌که اون شرایط پیش نیاد و ازدواج نمی‌کنم. مثل خیلی از انتخاب‌های دیگه توی زندگی... البته انتخاب سختیه. سرنوشت‌سازه. ولی انتخابه.»

نازنین نیز می‌گوید: «واسه به زن امروزی ازدواج اولویت نیست، به انتخابه. می‌تونه انتخاب کنه ازدواج کنه. می‌تونه انتخاب کنه مجرد باشه...»

ازدواج به مثابه نقطه توقف

برخی از مشارکت‌کنندگان، ازدواج را به مثابه یک نقطه توقف در زندگی می‌دانستند. در تعریف آنان، ازدواج به معنای بازماندن از پیشرفت و موفقتهایی است که یک زن در دوران مجرد برای دستیابی به آنها تلاش کرده است. نسترن می‌گوید: «مسیر زندگی به زن رو در نظر بگیر. داره درس می‌خونه، کار می‌کنه. تفریحاشو داره. ورزش می‌کنه. وقتش مال خودش. سفر می‌ره، کتاب می‌خونه. به خودش می‌رسه. پس‌انداز می‌کنه. پله‌های ترقی رو هم به تدریج طی می‌کنه. به محض ازدواج، شما برو ببین. دیدم که می‌گم. یهو متوقف می‌شه. ... شاید اوایلش کم‌رنگ باشه ولی کم‌کم ملموس‌تر می‌شه... خانوما زمان مجردی پیشرفت می‌کنند و با ازدواج متوقف می‌شن...» سیمین نیز می‌گوید: «چه ما بخوایم چه نخواهیم ازدواج به لنگره...»

تمایل به ازدواج

در این پژوهش، برخی از مشارکت‌کنندگان تمایل به ازدواج داشتند. آنان تمایل خود به ازدواج را به شکل‌های مختلفی بیان کرده‌اند. برخی از آنان از طریق ارتباط با مرد به دنبال ایجاد فرصت برای ازدواج بودند. برخی دیگر در برنامه‌ریزی خود برای آینده به ازدواج اشاره کردند. شبنم می‌گوید: «من خیلی دلم می‌خواد با همین دوست‌پسرم... ازدواج کنیم. چون هم شرایطی که می‌خوامو داره...» مائده می‌گوید: «توی آینده‌ای که واسه خودم تصور می‌کنم، ازدواج هست.» الهه نیز می‌گوید: «... اولین کسی بود که از همون شب اول، به من قول ازدواج داد. منم که آدم ازدواجی.» بیتا می‌گوید: «... من واقعاً می‌خوام ازدواج کنم. شعار نمی‌دم.»

عدم تمایل به ازدواج

برخی از مشارکت‌کنندگان تمایلی به ازدواج نداشتند. آنان خواستگاران خود را رد می‌کردند و از این‌که فرصت‌های ازدواج‌شان را از دست می‌دادند، ناراحت نبودند. آن‌ها عدم تمایل به ایفای نقش‌های جنسی، عدم تمایل به پذیرش سلطه‌مردانه، سرگردانی جنسیتی و عدم احساس نیاز به ازدواج، را از دلایل بی‌میلی به ازدواج می‌دانستند.

عدم تمایل به ایفای نقش‌های جنسی

برخی از مشارکت‌کنندگان به دلیل علاقه‌نداشتن به ایفای نقش‌های جنسی که به واسطه زن بودن در زندگی مشترک از آنان انتظار می‌رود، تمایلی به ازدواج نداشتند. آوا می‌گوید: «با خودم فکر می‌کنم که الان شوهر کنم، باید نیازهای اونو برطرف کنم... این منو خیلی اذیت می‌کنه. برای همین اصلاً دلم نمی‌خواد ازدواج کنم.»

عدم تمایل به پذیرش سلطه مردانه

برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان، تصور می‌کردند که با ازدواج وادار به پذیرش سلطه‌مردانه می‌شوند. آنان این امر را موجب عدم تمایل خود به ازدواج می‌دانستند. مریم می‌گوید: «من دوست ندارم ازدواج کنم. چون من اصلاً آدمی نیستم که به مرد باج بدم. یعنی نمی‌تونم تحمل کنم یه مرد بهم بگه سر کار: بگم چشم. یا مثلاً بگه فلان ساعت خونه باش؛ بگم چشم. چنین آدمی نیستم.» نازنین نیز می‌گوید: «من یه جورایی خیلی دیکتاتورم. حرف باید همیشه حرف من باشه. واسه همین دوست ندارم ازدواج کنم، چون همش باید بین من و اون مرد جنگ باشه...»

سرگردانی جنسیتی

برخی از مشارکت‌کنندگان سرگردانی جنسیتی و مشخص نبودن تمایلات جنسیتی خود را علت عدم تمایل‌شان به ازدواج می‌دانستند. سیمین می‌گوید: «به ازدواج سالم و درست منوط به اینکه من زن

تجربه بلوغ و درک از زنانگی در دختران هرگز ازدواج نکرده شاغل و تحصیلکرده

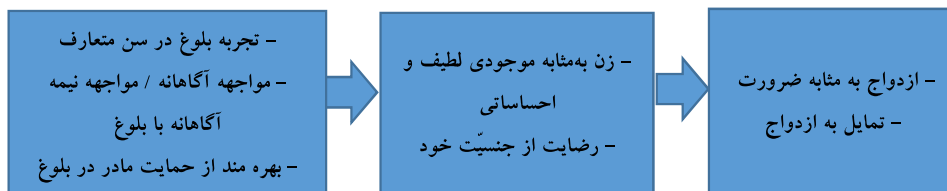
باشم و من نمی‌خوام زن باشم. من نه زن بودن دوست دارم. نه دلم می‌خواد مرد باشم... من اصلاً قصد ازدواج ندارم...» فهیمه نیز می‌گوید: «من هنوز نفهمیدم زنم یا نه... من درون خودم با خودم مشکل دارم... چه-طوری می‌تونم ازدواج کنم؟...»

عدم احساس نیاز به ازدواج

برخی از مشارکت‌کنندگان، نیازی به ازدواج احساس نمی‌کردند. زری می‌گوید: «من به ازدواج فکر نمی‌کنم... وقتی می‌بینم خودم الآن توان انجام همه کارامو دارم و دارم انجام‌شون می‌دم. حالا یکی بیاد که چی مثلاً؟ چی بشه؟ نیازی به ازدواج نمی‌بینم.»

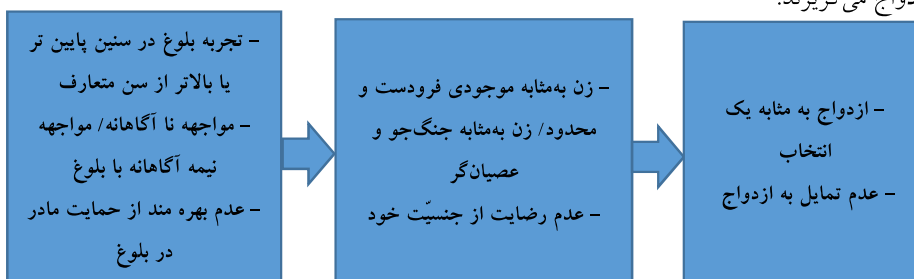
نازنین نیز می‌گوید: «زن امروزی اگه ازدواج نکنه، نابود نمی‌شه. ولی زنای نسل‌های گذشته نابود می‌شدن اگه ازدواج نمی‌کردن. چون نه می‌تونستن کار کنن. نه درآمد داشتن. پرستار برادر و شوهر و بچه بودن. ولی زن امروزی کار می‌کنه، درآمد داره... من چرا باید ازدواج کنم؟...»

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس زمان بلوغ، نوع مواجهه با بلوغ و سطح آگاهی از بلوغ، درک مشارکت‌کنندگان از زنانگی متفاوت است. آن دسته از مشارکت‌کنندگانی که در سن متعارف از نظر خانواده و جامعه به بلوغ رسیده بودند، آگاهانه و با اطلاعات قبلی توسط مادر، مدرسه و معلمان، گروه دوستان و همسالان یا دختران و زنان اقوام در برخی موارد با آگاهی محدود بلوغ را تجربه کردند و هنگام مواجهه با علائم بلوغ از حمایت مادر بهره‌مند بودند؛ معمولاً از زن بودن راضی هستند. ازدواج را بخش جدانشدنی زندگی و به مثابه ضرورت دانسته و تمایل دارند ازدواج کنند.

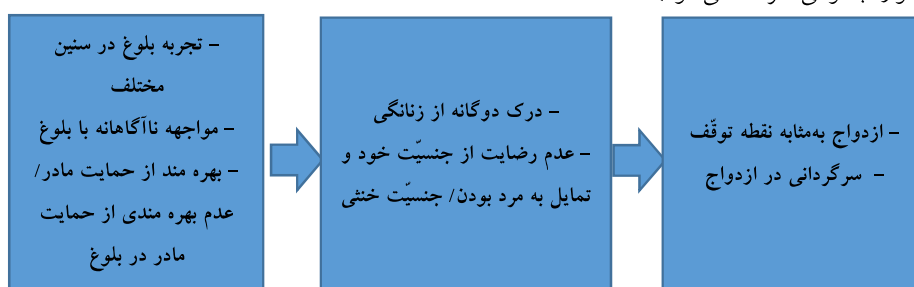


دختران مجرد شاغل و تحصیل کرده در سنین پایین‌تر و برخی بالاتر از سن متعارف به بلوغ رسیدند، ناآگاهانه و در برخی موارد نیمه‌آگاهانه بلوغ را تجربه کردند، در زمان رخداد بلوغ از مادر یا سایر زنان اقوام سیلی خوردند، آنان در مواجهه با علائم بلوغ، با توصیه مادر برای پنهان کردن آن علائم روبه‌رو بودند، این دختران تمایلی به پنهان کردن علائم بلوغ نداشتند، از بابت این شرایط خشمگین شده و همواره واکنش‌های تند و اعتراضی داشتند. آنان زن را موجودی فرو دست و دارای انواع محدودت‌ها و موجودی جنگ‌جو و عصبان‌گر معرفی کردند. آنان معتقدند که همواره برای نیل به حق خود باید بجنگند و هرگز سلطه مردانه را نمی‌پذیرند. آن‌ها از زن بودن راضی نیستند. ازدواج را به مثابه یک انتخاب می‌دانند که در مسیر زندگی ممکن

است دست به این انتخاب بزنند یا هرگز آن را انتخاب نکنند. آن‌ها به دلیل ترس از غلبه سلطه مردانه از ازدواج می‌گزینند.



برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان ناآگاهانه با بلوغ مواجه شدند. آنان پس از مواجهه با علائم بلوغ سعی در پنهان کردن آن داشتند و تا مدت‌ها آن را از مادر و دیگران پنهان می‌کردند. پس از مطرح کردن با مادر نیز برخی از آنان از حمایت مادر بهره‌مند شده و برخی دیگر شماتت شده بودند. آن‌ها درکی دوگانه از زنانگی دارند. در نظر آن‌ها زن موجودی ضعیف و در عین حال قوی است. این گروه از جنسیت خود راضی نیستند. برخی از آن‌ها مرد بودن را ترجیح می‌دهند. آنان به انجام نقش‌های مردانه تمایل دارند. از نظر آن‌ها ازدواج نقطه توقف همه پیشرفت‌ها و موفقیت‌های یک زن است. این دسته از دختران به دلیل عدم احساس نیاز به ازدواج و سرگردانی جنسیتی نمی‌خواهند ازدواج کنند. برخی دیگر از این دختران به اجبار جنسیت زنانه را پذیرفتند. این گروه می‌خواهند جنسیت خنثی داشته باشند و همواره از جنسیت می‌گزینند. آن‌ها نیز ازدواج را نقطه توقف و مانع همه پیشرفت‌ها و موفقیت‌های یک زن می‌دانند. آن‌ها هم تمایل به ازدواج دارند و هم به دلیل عدم تمایل به پذیرش سلطه مردانه و سرگردانی جنسیتی نمی‌خواهند ازدواج کنند. آنان همواره با نوعی سرگشتگی مواجه هستند.



بحث و نتیجه‌گیری

پرسش اصلی این پژوهش عبارت بود از آن‌که تجربه زیسته دختران مجرد شاغل و تحصیل کرده از نحوه مواجهه با بلوغ چگونه است و تجربه بلوغ بر فهم آنان از زنانگی و ازدواج چگونه موثر است؟ برای

تجربه بلوغ و درک از زنانگی در دختران هرگز ازدواج نکرده شاغل و تحصیلکرده

پاسخ به این پرسش از روش پدیدارشناسی استفاده شد. جامعه هدف دختران هرگز ازدواج نکرده شاغل و تحصیل کرده ۲۵ تا ۴۵ ساله ساکن استان سمنان بودند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و حجم نمونه ۳۰ نفر بود. برای گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. پس از کدگذاری داده‌ها در سطح ۱ به ۱۳ مقوله و در سطح ۲ به ۵ مقوله اصلی دست یافتیم.

با تجزیه و تحلیل یافته‌ها به این نتیجه رسیدیم که تجربه بلوغ، یکی از عناصر اصلی درک از زنانگی است. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش نفی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۳)، میسون‌الاتوم و همکاران (۲۰۲۴) و لس (۲۰۱۶) هم‌خوانی دارد. آنان نیز به این نتیجه رسیدند که تجربه بلوغ یکی از عناصر اصلی شکل‌دهنده زنانگی و اجتماعی‌شدن جنسیتی در زنان است.

براساس یافته‌های این پژوهش دریافتیم که تجربه بلوغ در دختران مجرد شاغل و تحصیل کرده در نسل‌های مختلف متفاوت است که با نتایج پژوهش‌های طهرانی مقدم و پورعباسی (۱۳۹۷) هم‌خوانی دارد. در این پژوهش، مشارکت‌کنندگان به اشکال متفاوتی بلوغ را تجربه کردند. بسیاری از دختران نوجوان تا زمان تجربه قاعدگی، آموزش بلوغ را دریافت نکردند. برخی از آن‌ها آگاهانه و برخی دیگر ناگهانی و غیرآگاهانه و برخی دیگر به صورت نیمه‌آگاهانه با بلوغ مواجه شدند. مدرسه، معلمان و گروه هم‌سالان از منابع انتقال آگاهی در زمینه مسائل بلوغ هستند. این نتایج با نتایج پژوهش حلیمی و همکاران (۱۴۰۱) و اشمیت و همکاران (۲۰۲۲) هم‌سوست.

مادران، یکی از اولین و اصلی‌ترین منابع اطلاعاتی و آموزشی دختران درباره قاعدگی بودند. مادران برای برخی از دختران، نقش حمایتی و برای برخی دیگر نقش غیرحمایتی و سرزنش‌کننده را ایفا کردند. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های ماسوول و همکاران (۲۰۲۵)، کوآست، لاتوف و استرانگ (۲۰۱۹)، رامبک، موولر و گانارسون (۲۰۰۶) و دئو و گاتارگی (۲۰۰۶) هم‌خوانی دارد.

عده‌ای از دختران بلوغ زود هنگام و ترس و احساسات منفی همراه با آن را تجربه کردند و عده‌ای نیز از تجربه دیر هنگام آن رنج برده‌اند. دختران در دوران بلوغ انواع دردهای جسمانی را نیز تجربه می‌کنند. این نتایج با پژوهش‌های آقابابایی و محمدی (۱۴۰۲)، ریاحی و خزایی (۱۴۰۰)، آزادی و همکاران (۱۳۹۹)، آذربهرام و مقصودی (۱۳۹۸) و ابوجی و همکاران (۲۰۲۳) همسان است.

درک منفی از قاعدگی و عدم آگاهی کافی در مورد آن به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر هویت-جنسیتی و شناخت دختران از خود تأثیر می‌گذارد. در این پژوهش برخی از دختران سعی کردند علائم بلوغ و رخداد آن را پنهان کنند و برخی دیگر دلیلی برای پنهان کردن آن نمی‌دیدند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش میسون‌الاتوم و همکاران (۲۰۲۴) در اردن هم‌خوانی دارد.

بلوغ، دختران را به انتظارات جنسیتی اجتماعی برای زنانگی در جامعه خود مجهز می‌کند. درک تجارب زیسته زنان در دوران بلوغ، ما را از تلقی زنان به عنوان دریافت‌کنندگان منفعل اعمال جنسیتی فراتر می‌برد و منجر بازتولید هویت جنسیتی زنانه می‌شود. احتمالاً تفاوت در تجربه بلوغ موجب اشکال مختلف درک از زنانگی و رویکرد نسبت به ازدواج می‌شود.

با توجه به مجموعه یافته‌ها پیشنهاد می‌شود که برای مادران درباره چگونگی رفتار با دختران نوجوان آموزش‌هایی ارائه شود. همچنین لازم است در مدارس در این باره دوره‌های آموزشی برای دختران و پسران برنامه‌ریزی شود تا اطلاعات نامناسب و غلط کاهش یافته و مواجهه ناآگاهانه و دلهره‌آور که موجب اختلالات روانی در درک از خود و رفتار جنسی می‌شود، کاهش یابد. آرامش در مواجهه با بلوغ برفهم و تجربه مثبت و محترمانه از زنانگی موثر است و مواجهه با ازدواج و رابطه جنسی را در زنان تسهیل می‌کند.

منابع

- آذر بهرام، الهه و مقصودی، سوده. (۱۳۹۸). «بررسی تجربه زیسته دانش‌آموزان دختر تیزهوش شهر کرمان از دوران قاعدگی شان». پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی. ۶(۲۲)، صص ۱۵۹-۱۹۸.
- آزادی، اسما؛ غلامی، نجمه و بخشایش، علیرضا. (۱۳۹۹). «تجربه زیسته دختران از بلوغ زودرس: مطالعه کیفی». اندیشه و رفتار در روان شناسی بالینی. ۱۵(۵۷)، صص ۶۷-۷۶.
- آقایابایی، فاطمه و محمدی، رزگار. (۱۴۰۲). «تجربه زیسته سندرم پیش از قاعدگی در دختران مجرد: یک مطالعه کیفی». نشریه پژوهش پرستاری ایران. ۱۸(۲)، صص ۱-۱۶.
- ازکیا، مصطفی و احمدش، رشید. (۱۳۹۹). روش‌های تحقیق کیفی از نظریه تا عمل (جلد سوم). چاپ اول. تهران: انتشارات کیهان
- حلیمی، لیلا؛ درتاج رابری، اسحاق؛ مجدزاده؛ رضا و حقدوست، علی‌اکبر. (۱۴۰۱). «بررسی تأثیرگذاری شبکه اجتماعی در انتقال اطلاعات بلوغ بین دانش‌آموزان نوجوان شهر همدان». مجله اپیدمیولوژی ایران. ۱۸(۴)، صص ۲۷۰-۲۸۱.
- خزایی، سارا و ریاحی، محمداسماعیل. (۱۴۰۰). «مطالعه کیفی بر ساخت هویت بدنی نوجوانان؛ دختران دبیرستانی شهرستان بروجرد». نشریه جامعه شناسی کاربردی. ۳۲(۱)، صص ۱۰۷-۱۳۴.
- درودگر، نرجس. (۱۳۹۶). فمینیسم: تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها، نقد. چاپ دوم. تهران: مرکز تحقیقات زن و خانواده
- شکور، مهسا؛ یمانی، نیکو؛ احسان‌پور، سهیلا و علی‌زاده، شیوا. (۱۳۹۵). «نیازسنجی کیفی در زمینه بهداشت باروری دوران بلوغ از نظر پسران و دختران ایرانی». ارمغان دانش. ۲۱(۸)، صص ۸۱۶-۸۲۹.
- طهرانی‌مقدم، مهدیه و پورعباسی، عطااله. (۱۳۹۷). «ارزیابی دغدغه‌های دختران نوجوان در خصوص مسائل بلوغ و بررسی همسویی آن با دغدغه‌های مادران ایشان». ویژه‌نامه علوم انسانی سلامت. ۱، صص ۵۲-۶۳.
- کرسول، جان. (۱۳۹۸). پوشش کیفی و طرح پژوهش (انتخاب از میان پنج رویکرد). حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی. ویرایش دوم. تهران: انتشارات صفار
- کلاته ساداتی، احمد؛ عادل‌خواه، فاطمه و شمس‌الدین قطرم، فائزه. (۱۴۰۳). «تجربه بلوغ در بین دختران تک والد پدر سرپرست: یک مطالعه کیفی در شهر یزد». زن در توسعه و سیاست. ۲۲(۱)، صص ۱۱۵-۱۴۲.
- گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی. حسن چاوشیان. چاپ هشتم. تهران: نشر نی
- محمدتقی‌نژاد اصفهانی، رعنا؛ موحد، مجید؛ عنایت، حلیمه و احمدی، علی‌یار. (۱۴۰۳). «مواجهه اجتماعی با قاعدگی: مردم‌نگاری فمینیستی تجربه قاعدگی میان کاربران زن اینستاگرام». جا، ربردی. ۳۵(۴)، صص ۱-۳۲.
- هولمز، ماری. (۱۳۹۱). جنسیت و زندگی روزمره. محمد مهدی لیبی. چاپ دوم. تهران: شرکت نشر نقد افکار

تجربه بلوغ و درک از زنانگی در دختران هرگز ازدواج نکرده شاغل و تحصیلکرده

• یعقوبی، علی. (۱۳۹۳). نظریه‌های مردانگی با تأکید بر رویکردهای جامعه‌شناختی. چاپ اول. تهران: نشر پژواک

- Amin SM, El-Sayed MM, El-Monshed AH, Khedr MA, Atta MHR. (2024). **"The hidden link: dysmenorrhea, emotion regulation, and attitudes toward marriage in female nursing students"**. BMC Nurs. 8;23(1):721. doi: 10.1186/s12912-024-02341-w. PMID: 39379878; PMCID: PMC11463104.
- Betsu , Balem Demtsu . & Medhanyie , Araya Abrha & . Gebrehiwet , Tesfay Gebregzabher . Wall, L Lewis. (2023). **"Menstruation is a Fearful Thing": A Qualitative Exploration of Menstrual Experiences and Sources of Information About Menstruation Among Adolescent Schoolgirls"**. Int J Womens Health. 31(15):881–892. <https://doi.org/10.2147/IJWH.S407455>.
- Bacalja Perianes. Milena & Ndaferankhande. Dalitso. (2020). **The Palgrave Handbook of Critical Menstruation Studies**. Singapore. Published online: July 25.
- Deo, D.S. and Ghattargi, C.H. (2005). **"Perceptions and Practices Regarding Menstruation: A Comparative Study in Urban and Rural Adolescent Girls"**. Indian Journal of Community Medicine, 30(1): 33-34.
- Gaybor, J. (2020). **"Every day (on line) body politics of menstruation. Feminist Media Studies"** 22(4), 898-913. <https://doi.org/10.1080/14680777.2020.1847157>.
- Gundi, Mukta & Subramanyam, Malavika Ambale. (2020). **"Gender as a Social Determinant of Menstrual Health: A Mixed Methods (Study Among Indian Adolescent Girls and Boys)"**. doi: <https://doi.org/10.1101/2020.08.04.20167924>.
- Koch, Mary Kate & Mendl, Jane. (2022). **"In their own words: Finding meaning in girls' experiences of puberty"**. Child Development:1–16. DOI: 10.1111/cdev.13836.
- Lesc, Kathryn M. (2016). **"Padded assumptions: A critical discourse analysis of patriarchal menstruation discourse"**. Master Theses". James Madison University. <https://commons.lib.jmu.edu/master201019/103>.
- Maysoon Al Atoom, Nadin M. Abdel Razeq, Areej Othman, Abeer Shaheen, Mutaz M. Abu Hananneh, Mazen Al-Nabelsi, Ana Langer & Jewel Gausman. (2024). **"Development of gender identity during adolescence: perspectives from Jordanian and Syrian youth"**. International Journal of Adolescence and Youth, 29:1. <https://doi.org/10.1080/02673843.2024.2312853>.
- Masuku, Bianca. (2015). **"Ways of Bleeding: Teenage Girls' Experiences of the Menstruating Body and the Washable Pad"**. Thesis Degree of Masters. University of Witwatersrand.
- Mendle, Jane. Beltz, Adriene. Carter, Rona & Dorn Lorah. (2019). **"Understanding Puberty and Its Measurement: Ideas for Research in a New Generatio"**. Journal of Research on Adolescence .29(1): 82-95. <https://doi.org/10.1111/jora.12371>.
- Mokhtari N, Salavati A, Azmoude E. (2020). **"The relationship between gender role and attitude toward menstruation with female sexual function: A cross-sectional study"**. Int J Reprod BioMed, 18(10): 847–854. <https://doi.org/10.18502/ijrm.v13i10.7769>.
- Mondragon, N. I., & Txertudi, M. B. (2019). **"Understanding menstruation: Influence of gender and ideological factors. A study of young people's social representations"**. Feminism & Psychology, 29(3), 357-373. <https://doi.org/10.1177/0959353519836445>.
- Msovela J, Shija AE, Ntuyeko H, Imeda C, Mugula A, Mgina E, et al. (2025). **"Puberty and Menstruation Knowledge, Information Sources and Needs among Secondary School Adolescent Girls and Boys in Kibaha, Tanzania"**. PLOS Glob Public Health 5(3): e0004176. <https://doi.org/10.1371/journal.pgph.000417>.
- Nair, Lakshmi Balachandran. (2025). **"Let it flow!" Breaking taboos and stigmas about menstruation through Scarlet Scribe**. ISBN 979-12-5596-242-7.
- Nneka Edith Ubochi et al. (2023). **"Menstruation behaviour influencer model: a grounded theory of menstrual experiences of shame, embarrassment, stigma and absenteeism among pubescent girls in semi-urban and rural secondary schools in Enugu State, Nigeria"**. Pan African Medical Journal. 45(47):1-20. <https://www.panafrican-med-journal.com/content/article/45/47/full>.
- O'Flynn, Norma. (2006). **"Menstrual symptoms: the importance of social factors in women's experiences"**. British Journal of General Practice 56: 950–957.

- Sterility, 118(5): 938-945. <https://doi.org/10.1016/j.fertnstert.2022.07.018>.
- Thomsen, Anne H & Gaml-Sørensen, Anne. Brix, Nis & Ernst, Andreas & Lunddorf, Lea L. H. & Strandberg-Larsen, Katrine. & Højgaard, Astrid. and Ramlau-Hansen, Cecilia H. (2022). **“Gender incongruence and timing of puberty: a population-based cohort study”**. Fertility and Sterility, 118(5): 938-945. <https://doi.org/10.1016/j.fertnstert.2022.07.018>.
 - Tiwari, H. & Oza, U.N. and Tiwari, R. (2006). **“Knowledge, attitudes and beliefs about menarche of adolescent girls in Anand district, Gujarat”**. La Revue de Santé de la Mediterranee orientale. 12(3, 4): 428-433.